

محمد مهدی سلمانپور

بازنگری در انتساب یک کتاب به شیخ مفید؛ وداع با تصحیح الاعتقاد

۱۲۹-۱۵۶

شؤبہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده: ردّیه نویسی و نقد و نقض آراء رقیبان فکری، همواره سنتی پذیرفته شده و مورد استقبال در جامعه اسلامی بوده است. گواه روشن این سخن، حجم انبوه آثار است که در کتب رجال و تراجم در این زمینه گزارش شده است. این نقد و ردها تنها مربوط به مخالفان و دیگر مذاهب نبوده و گاه عالمی از یک مذهب به مصاف آراء شیخ و استاد خویش نیز رفته است. تصحیح الاعتقاد شیخ مفید، از نمونه‌های معروف این امر است که در آن، آراء شیخ صدوق در کتاب دین الامامیه به سختی به چالش کشیده شده است. با وجود شهرت گسترده امروزی این کتاب که کم از آوازه مؤلف آن ندارد، راقم این سطور بر این عقیده است که دلایلی وجود دارد که نه تنها انتساب این اثر به مفید را تضعیف می‌کند که با دقت و تأمل در آنها بهتر است دیگر با انتساب این کتاب به آن رکن نامدار شیعه امامیه خداحافظی کرد. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی، انتقادی به واکاوی آن دلایل و شواهد می‌پردازد و می‌کوشد تا نادرستی آن انتساب را نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: شیخ صدوق، شیخ مفید، دین الامامیه، تصحیح الاعتقاد.

Reviewing the Attribution of a Book to Sheikh-e Mufid; A Farewell to *Tashih al-Istiqaad*

Abstract: Writing refutation, criticizing, and rejecting the intellectual opponents' ideas has always been an accepted tradition welcomed in an Islamic society. Its clear evidence is the large number of books which have been reported in the rijal books and relevant translations. These critiques were not just written by the opponents from other religions, sometimes a scholar from the same religion has also criticized his master's ideas. One of the most famous example is Sheikh Mufid's *Tashih al-Istiqaad* in which he challenged Sheikh Sadooq's ideas recorded in *Din al-Imamiya*. Despite the current reputation of this book, which is not less than its author's fame, the author of the present article believes that there are some reasons which not only weakens the attribution of this book to Mufid, but also, if reflected upon thoroughly and carefully, may prove that he mentioned work does not belong to this central figure of the Imamiya Shia. The following article has adopted a descriptive-analytical-critical approach to study those reasons, and to show the incorrectness of this attribution.

Key words: Sheikh Sadooq, Sheikh Mufid, *Din al-Imamiya*, *Tashih al-Istiqaad*.

تأملات في انتساب أحد الكتب للشيخ المفيد وداعاً لتصحیح الاعتقاد

الخلاصة: تعدّ كتابة الردود ونقد آراء الطرف المقابل ونقضها واحدة من السنن التي طالما حظيت بالقبول والترحيب في المجتمعات الإسلامية. والدليل الساطع على هذا الكلام هو الحجم الهائل من الآثار في هذا الباب، والتي ورد ذكرها في كتب الرجال والتراجم.

ولم تقتصر هذه الردود والنقود في اتجاهاتها على المخالفين وأتباع المذاهب الأخرى، بل ربما وجّه بعض العلماء من مذهب معيّن نقده وردّه نحو آراء شيخه وأستاذه أيضاً.

وكتاب تصحیح الاعتقاد للشيخ المفيد هو أحد النماذج المشهورة في هذا المجال، حيث وجّه المؤلف فيه نقده العميق إلى آراء الشيخ الصدوق الواردة في كتابه دین الإمامية.

ورغم الشهرة الواسعة التي يحظى بها هذا الكتاب في عصرنا الحاضر، والتي لا تقل عن شهرة مؤلفه الشيخ المفيد، إلا أنّ كاتب هذه السطور يعتقد بوجود الأدلة التي لا تقف عند حدّ تضعيف انتساب هذا الأثر بالشيخ المفيد، بل يقول إنّ التأمل الدقيق فيها يدفعنا للقول بضرورة تحاشي نسبة هذا الكتاب إلى هذا الركن البارز من أركان الشيعة الإمامية.

والمقال الحالي مخصّص للتدقيق. من خلال المنهج التوصيفي التحليلي النقدي. في هذه الأدلة والشواهد، ومحاولة بيان خطأ هذه النسبة.

المفردات الأساسية: الشيخ الصدوق، الشيخ المفيد، دین الإمامية، تصحیح الاعتقاد.

بازنگری در انتساب یک کتاب به شیخ مفید؛ وداع با تصحیح الاعتقاد

محمد مهدی سلمانیپور

مقدمه

مهم‌ترین رکن دین اسلام، اعتقادات است که برترین نقش را در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند، تقلید نمی‌پذیرد و هر کس باید خود درباره آن به باور برسد. در آغاز اسلام، آنچه رسول خدا از مردمان می‌طلبید نیز تا مدت‌ها تنها اصل اعتقادی توحید و سپس دیگر اصول ضروری بوده است.

امامان معصوم، یاران بزرگوار ایشان و سپس عالمان و دانشمندان امامیه در این زمینه کوشش و همتی چشمگیر داشتند. تلاش ایشان گاه به صورت جلسات درس، گاه مناظرات اعتقادی با پیروان ادیان و مذاهب دیگر و دیگر بار نوشتن کتب و رساله‌های متعدد بوده است.

مجموعه ژرفی از عقاید که توسط امام صادق (علیه السلام) برای طالبان حقیقت بیان شده^۱ و کتاب و نوشته‌ای که حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به درخواست مأمون عباسی در این زمینه نوشته،^۲ تنها قطره‌ای از دریای اهتمام معصومین (علیهم السلام) به این امور است.

رجوع حضرت عبدالعظیم حسنی به امام هادی (علیه السلام) برای عرضه عقاید خود و کسب تأیید امام،^۳ با وجود آنکه پیش از آن به خطاب «أنت ولینا حقاً» مفتخر شده بود، گویای نهایت اهمیت و حساسیت این امر برای هر کسی و با هر مقامی است.

پس از آغاز غیبت کبری این میراث به عالمان امامیه رسید. هزاران کتاب اعتقادی نگاشته شد که صدها مورد از آنها با عناوینی چون «الاعتقادات» و مانند آن، آثاری مخصوص به بیان عقائد شیعه امامیه بود. از نمونه‌های مهم این موارد که برخی نیز امروز از میان رفته‌اند، می‌توان به کتبی چون اعتقادات ابو عبدالله جعفر بن محمد دوربستی^۴ (شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی)، اعتقادات ابوعلی نزاز بغدادی،^۵ الايضاح خزاز قمی،^۶ تحریر العقائد خواجه طوسی و حواشی بی‌شمار و شروح پرشمار آن^۷ که مهم‌ترین آنها کشف المراد علامه حلی است، اعتقادات علامه مجلسی و ده‌ها نمونه معروف دیگر اشاره کرد.

شیخ صدوق از دانشمندانی بوده که کوششی کم‌نظیر در نشر اعتقادات شیعی داشته است. کتب پرشمار او که عناوین بسیاری از آنها مربوط به عقائد است و مجالس مختلف او در عرضه معارف شیعی، گواه دغدغه‌مندی این عالم بزرگوار در این خصوص است. برای نمونه می‌توان به مجلس نودوسوم کتاب الأُمالی اشاره کرد که در روز جمعه، سیزدهم شعبان سال ۳۶۸ هجری در نیشابور برگزار شده بود. صدوق در آن

۱. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ص ۶۰۳ - ۶۱۰.

۲. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۹ - ۱۳۴.

۳. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ص ۴۱۹ - ۴۲۰؛ التوحید، ص ۸۱ - ۸۲؛ صفات الشیعة، ص ۴۸ - ۵۰؛ کمال الدین، ص ۳۷۹ - ۳۸۰.

۴. طهرانی، محمد محسن، الذریعة، ج ۲، ص ۲۲۵.

۵. همان.

۶. شیخ حرعاملی نام کتاب را الايضاح فی الاعتقادات الشرعية علی مذهب الامامية دانسته، اما نجاشی از آن با عنوان الايضاح فی اصول الدین علی مذهب أهل البيت علیهم السلام یاد کرده است. رک به: أمل الأمل، ج ۲، ص ۲۰۱ و رجال نجاشی، ص ۲۶۸.

۷. این کتاب امروزه به تجرید الاعتقاد و تجرید الکلام معروف است، اما چنان که خود خواجه در مقدمه آن آورده، نام صحیح کتاب «تحریر العقاید» است. گفتنی است که تاکنون بیش از ۲۵۰ شرح بر این اثر نوشته شده است.

مجلس مفصل، اعتقادات امامیه را بیان کرده و در پایان نیز تأکید می‌کند پس از بازگشت به نیشابور، شرح و تفسیر آن را نیز خواهد گفت.^۸

صدوق همچنین در کتابی مفصل، اعتقادات مختلف امامیه را در ۴۵ باب بیان کرده است. شیخ طوسی و ابن شهر آشوب از این کتاب با عنوان «دین الامامیه» یاد کرده‌اند^۹ و علامه مجلسی آن را «رسالة العقائد» نامیده است.^{۱۰}

بیان مسئله

براین کتاب صدوق، شرح‌های فراوانی نوشته شده^{۱۱} و معروف‌ترین این شرح‌ها که در واقع رد و نقدی تند بر کتاب است، اثری موسوم به تصحیح الاعتقاد شیخ مفید است. در این کتاب شیخ مفید تیغ تیز کلام خود را متوجه آراء استاد اجازه خویش^{۱۲} کرده و او را در مواردی متعدد به چالش می‌کشد.

در چند قرن گذشته تا امروز، این کتاب به عناوین مختلفی نامیده شده است. علامه مجلسی، محدث بحرانی و محدث نوری آن را «شرح عقائد صدوق» نامیده‌اند.^{۱۳} البته محدث بحرانی در موضعی دیگر عنوان «تصحیح اعتقادات الصدوق» را نیز آورده است.^{۱۴} فیض کاشانی و شیخ حرّ عاملی از آن با عنوان «شرح اعتقادات صدوق» نام برده^{۱۵} و شیخ حرّ در موضع دیگری تعبیر «شرح اعتقادات ابن بابویه» را نیز به کار برده است.^{۱۶} آقابزرگ طهرانی نیز با عناوینی چون «تصحیح اعتقاد الامامیه»، «شرح اعتقادات الصدوق» و «تصحیح الاعتقاد» از این کتاب یاد کرده و در جایی نیز تصریح می‌کند که نام کتاب «تصحیح الاعتقاد» است.^{۱۷}

اسطوره پژوهش و تحقیق، استاد شادروان علامه سید عبدالعزیز طباطبایی، از اینکه نام تصحیح الاعتقاد از کجا آمده و توسط چه کسی و در چه زمانی کتاب به این عنوان نامیده شده، اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.^{۱۸} به هر روی واضح است که عنوان مشهور کتاب در ابتدا شرح اعتقادات یا شرح عقائد صدوق بوده و نامی که امروز برای کتاب مشهور است، گویا سابقه‌ای ندارد و در واقع خلاصه‌ای از تعبیر محدث بحرانی (تصحیح اعتقادات الصدوق) است که پس از آن نیز توسط صاحب الذریعه به شهرت رسیده و به جای عناوین پیشین کتاب استعمال شده است.

خواننده تصحیح الاعتقاد با مطالعه این کتاب در موارد مختلفی نمونه‌های فراوانی می‌یابد که صدور آنها از مفید بعید و در برخی موارد به طور مسلم نادرست است. همچنین دلایل دیگری نیز صرف نظر از محتوای

۸. صدوق، محمد بن علی، الأُمالی، ص ۷۲۸-۷۵۱. گفتنی است که آقابزرگ طهرانی در این خصوص دچار سهو شده و پنداشته که تصحیح الاعتقاد مفید، شرح همین مجلس صدوق است. (الذریعه، ج ۲، ص ۲۲۶) حال آنکه تصحیح الاعتقاد، رد و نقد کتاب دین الامامیه صدوق است و نه این مجلس.

۹. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۳۸ و ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، ص ۱۴۷.

۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۶.

۱۱. موارد متعددی از این شرح‌ها را آقابزرگ طهرانی معرفی کرده است. رک به: الذریعه، ج ۱۳، ص ۱۰۰-۱۰۲.

۱۲. باید توجه داشت که برخلاف آنچه برخی پنداشته‌اند، مفید هرگز شاگرد اصطلاحی صدوق نبوده و نزد او درس‌آموزی نکرده است، بلکه تنها در سفری که صدوق در راه حج به بغداد داشت، مفید نیز همراه دیگر عالمان بغداد از صدوق اخذ حدیث کرده است. گویا تعبیر استادی صدوق برای مفید را اولین بار ابن ادریس حلی در السرائر به کار برده است. (رک به: السرائر، ج ۲، ص ۵۲۹)

۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۷؛ ج ۲۶، ص ۸۳؛ بحرانی، یوسف، الدرر النجفیه من الملتقطات الیوسفیه، ج ۳، ص ۱۶۴؛ نوری طبرسی، حسین، خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۴۶۴؛ ج ۴، ص ۷۹.

۱۴. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، ج ۹، ص ۳۹۷.

۱۵. فیض کاشانی، محسن، الوافی، ج ۱، ص ۷۹؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، الفصول المهمة فی أصول الأئمة، ج ۱، ص ۲۵۸.

۱۶. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۰۵.

۱۷. طهرانی، محمد محسن، الذریعه، ج ۴، ص ۱۹۳؛ ج ۱۳، ص ۱۰۲؛ ج ۱۹، ص ۳۵۵؛ ج ۲۰، ص ۱۰۷؛ ج ۲۴، ص ۳۲۲؛ ج ۳۲۸، ص ۲۵؛ ج ۱۰، ص ۶۷.

۱۸. طباطبایی، عبدالعزیز، «الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد»، ترائف، ش ۳۰-۳۱، ص ۶۷.

کتاب موجودند که انتساب این کتاب به مفید را به چالش می‌کشند. این موارد عمدتاً فراتر از اختلاف یک عالم با عالمی دیگر بوده و مانعی در پذیرش انتساب کتاب به مؤلف آن و ابهاماتی هستند که زمینه ساز و انگیزه انجام این پژوهش شده‌اند.

نگارنده مقاله براین باور است که می‌تواند شواهد و دلایلی اقامه کند که این کتاب از تألیفات شیخ مفید نیست و بلکه قرن‌ها پس از او در دوران صفویه ناگهان پدیدار و به مفید نسبت داده شده است.

فایده و ضرورت پژوهش

به طور خلاصه ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان از سه دیدگاه توجیه کرد:

یکم: فارغ از نسبت تصحیح الاعتقاد به مفید، این پژوهش تلاشی درباره آثار و آراء دو عالم بزرگ امامی مذهب و دورکن مهم شیعه است که اهمیتی چون دیگر پژوهش‌ها را در این زمینه دار است.

دوم: پیراستن شخصیت والای دو چهره بزرگ که مذهب تشیع تا ابد وامدار ایشان است، از تهمت‌هایی نادرست که انتساب این کتاب به مفید به هردوی این بزرگواران موجب آن خواهد بود.

سوم: جلوگیری از نشر شبهات مختلفی که در اثر تهمت‌های پیش‌گفته، خصوصاً با توجه به انتسابشان به ارکان مذهب می‌تواند علیه عقائد حقه به کار گرفته شود.

پیشینه پژوهش

تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است، جز انگشت‌شماری از افراد، کسی در انتساب این کتاب به مفید تردیدی نکرده و همواره از آغاز شهرت آن، نسبت کتاب به مفید ارسال مسلم شده است! با این وجود از اهل فضل و دانش، اندک افرادی نیز بوده‌اند در نوشته‌های خود به این امر اشاره‌ای داشته‌اند.

از جمله دانشمندان معظّم حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی سبحانی، در مقاله‌ای که متجاوز از بیست سال قبل نگاشته‌اند، به مناسبت بحث از کتاب سلیم بن قیس هلالی با اشاره به عدم ذکر نام تصحیح الاعتقاد در رجال نجاشی آورده‌اند که از گذشته در انتساب تصحیح الاعتقاد به مفید تردید دارند و هنوز نیز شاهد محکمی بر این نسبت نیافته‌اند.^{۱۹}

همچنین استاد بزرگوار شادروان دکتر ابوالقاسم گرّجی با وجود آنکه در متن اثرارجمند خویش «تاریخ فقه و فقهاء» از تصحیح الاعتقاد سخن گفته و مطالبی نقل کرده‌اند، اما در حاشیه کتاب چنین نوشته‌اند: «گفتنی است که انتساب تصحیح الاعتقاد به مفید قطعی نیست».^{۲۰}

آقای سید محسن موسوی نیز در مقاله‌ای درباره تألیفات شیخ صدوق با اشاره به عدم ذکر نام تصحیح الاعتقاد در فهرست‌های نجاشی و طوسی و دیگران انتساب کتاب به مفید را ضعیف قلمداد کرده‌اند.^{۲۱}

در نوشتار ما نیز کوشش شده تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا می‌توان تصحیح الاعتقاد را اثری از شیخ مفید دانست یا خیر و در صورت منفی بودن پاسخ، چه عواملی موجبات این تردید و نفی را فراهم می‌آورند؟

۱۹. سبحانی، محمد تقی، «گامی دیگر در شناسایی و احیای کتاب سلیم بن قیس هلالی»، آینه پژوهش، ش ۳۷، ص ۲۳.

۲۰. گرّجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، ص ۲۴۴. دکتر ابوالقاسم گرّجی فقیهی مجتهد و از شاگردان مرحوم آیت‌الله العظمی خوئی و دیگر آیات نجف اشرف در دهه بیست خورشیدی بود.

۲۱. موسوی، سید محسن، «بهره‌های یادکرد آثار در تألیفات شیخ صدوق»، حدیث حوزه، ش ۶، ص ۳۱.

کم نیستند کتبی که امروز از میان رفته‌اند و ما تنها به دلیل وجود نامشان در آثار عالمانی که پس از صاحبان آن کتب می‌زیستند، چنان اثری را ضمن ثمرات علمی یک مؤلف یا دانشمند به حساب می‌آوریم. در مواردی این ذکر نام با نقل مطالبی از آن کتب نیز همراه شده که تنها یادگاران کتب گمشده به شمار می‌روند.

همچنین وجود نسخ خطی معتبر، حتی هنگامی که نام و نشانی از کتب در آثار عالمان رجال وجود نداشته باشد، حداقل نتیجه‌ای که دارد این خواهد بود که نمی‌توان به سهولت نسبت آن کتب به مؤلفانشان را به چالش کشید. برای مثال، نام کتاب اختصاص مفید ضمن آثار ایشان در نجاشی و طوسی و ابن شهر آشوب وارد نشده، اما علامه مجلسی که کتاب را از تألیفات مفید می‌دانسته‌اند، روایات آن را از نسخه‌ای قدیمی از کتاب نقل کرده‌اند که گویای قدمت آن است.^{۲۴}

پس از ذکر این مقدمه، باید گفت پژوهشگری که در جستجوی انتساب تصحیح الاعتقاد به شیخ مفید است، در تمام این راه‌ها به بن بست می‌خورد. در ادامه به تفصیل به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

۱. جستجو در کتب شیخ مفید

شیخ مفید نام تعدادی از آثار خود را در کتب مختلفش ذکر کرده و به آنها ارجاع داده است؛ از جمله نام کتبی چون: الارشاد، الايضاح، الباهر من المعجزات، اوائل المقالات، تقریر الاحکام، الکافئه، التمهید، رساله الجنیدی الی اهل مصر،^{۲۵} الموضح فی الوعد والوعید، العیون والمحاسن، مصباح النور و المزار در آثاری چون المسائل العشر فی الغیبه، الاعلام، الفصول المختاره، المسائل السرویه، الافصاح، جوابات اهل الموصل و الارشاد آمده است.^{۲۶}

این امر به کتبی که به صراحت نام آنها ذکر شده محدود نمی‌شود،

۲۴. رک به: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۷. لازم به تذکر است که نسخه‌ای از کتاب اختصاص در کتابخانه آیت‌الله العظمی حکیم در نجف اشرف موجود است که نگارنده آن را از نزدیک دیده است. در پایان نسخه، که روزگاری نیز در تملک شیخ حر عاملی بوده است، چنین آمده که این نسخه از نسخه «عتیقه التوسید» کتابت شده است. محتمل است آن نسخه قدیمی همان نسخه‌ای باشد که مورد استفاده علامه مجلسی نیز واقع شده بود.

۲۵. این عنوان را نجاشی آورده است، (رک به: نجاشی، رجال، ص ۴۰۰) اما صحیح آن باید نقض رساله الجنیدی یا چیزی شبیه به این تعبیر باشد؛ چرا که شیخ مفید، چنان‌که خود در المسائل السرویه تصریح کرده، آن را در رد این جنید نگاشته است. (رک به: مفید، المسائل السرویه، ص ۷۵)

۲۶. مفید، محمد بن محمد، المسائل العشر فی الغیبه، ص ۶۰ و ۱۲۴؛ الاعلام، ص ۱۶؛ الفصول المختاره، ص ۲۰۴ و ۱۴۲؛ المسائل السرویه، ص ۷۵ و ۱۰۱؛ الافصاح، ص ۱۹۲؛ جوابات اهل الموصل، ص ۱۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۴.

پس از این مقدمه به سراغ بدنه اصلی پژوهش می‌رویم. این مقاله در دو بخش سامان یافته است. در بخش اول قرائن خارجی و در بخش دوم قرائن داخلی مربوط به محتوا و ساختار تصحیح الاعتقاد واکاوی و تحلیل می‌شوند. پیش از آغاز توجه به دو نکته توسط خواننده گرامی لازم است: یکی اینکه برخی از آنچه ارائه خواهد شد به عنوان دلیل و برخی دیگر در حکم شاهد به کار می‌روند. بدیهی است که داوری منصفانه، در گرو دیدن همه دلایل و شواهد در کنار هم و به عنوان یک مجموعه خواهد بود. دیگر اینکه آنچه ارائه می‌شود، موارد مختصری به عنوان نمونه و با عنایت به محدودیت مقاله است. روشن است که با مطالعه تصحیح الاعتقاد، می‌توان موارد بیشتری را نیز به این نوشتار اضافه کرد. امید است در پژوهش‌های بعدی این مهم انجام پذیرد.

بخش اول: کتابی بی‌نشان

در این بخش به نقد بیرونی کتاب تصحیح الاعتقاد می‌پردازیم. قرائن خارجی و شواهدی بیرون از محتوای کتاب که تردید جدی را در صحت انتساب این اثر به شیخ مفید به وجود می‌آورند. پس از ذکر مقدمه‌ای، در پنج گفتار به بررسی خواهیم پرداخت که گفتار آخر حاوی نکاتی مهم است که با حاصل چهار گفتار پیشین ارتباط عمیقی دارد.

نسبت اثری به مؤلف آن را از راه‌هایی گوناگون می‌توان دریافت.^{۲۷} از مهم‌ترین این راه‌ها، تصریح خود مؤلف در دیگر آثار خود است. چنانچه آن آثار دیگر، انتسابشان به مؤلف ثابت باشد، به طور قطع کتابی که در آن آثار نیز از آن سخن به میان آمده از تألیفات نویسنده خواهد بود.^{۲۸} از راه‌های مهم دیگر، تصریح دانشمندان علم رجال و تراجم است. خصوصاً نظر دانشمندان متقدم این فن، در این عرصه اهمیت بسیار دارد. برای مثال چنانچه نجاشی یا طوسی کتابی را از کسی بدانند، می‌توان با اطمینان آن عنوان را داخل در تألیفات نویسنده مورد نظر دانست.

یادکرد و نقل از اثر در آثار متأخر آن و همچنین وجود نسخ خطی معتبر را نیز می‌توان از دیگر راه‌های انتساب کتب به شمار آورد.

۲۲. در اینجا مقصود ما از نسبت، صرفاً این است که آن مؤلف کتابی با این عنوان داشته است، فارغ از مناقشاتی که می‌تواند به کتاب موجودی که با آن عنوان به مؤلف مورد نظر نسبت داده می‌شود وارد باشد. برای مثال به تصریح نجاشی، طوسی و ابن شهر آشوب می‌دانیم که شیخ مفید کتابی با عنوان «المسائل الصغانیة» داشته است، اگرچه در نسبت کتاب موجود فعلی به مفید تشکیک شده و برخی بزرگان از جمله رجالی کبیر، آیت‌الله العظمی خوئی به صراحت آن را جعلی دانسته‌اند. (رک به: خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۳۲)

۲۳. در قرون پس از صدر اسلام که رفته رفته سنت اجازه نویسی کتبی فراگیر شد، می‌توان تصریح مجیز در اجازات خود را نیز به این مطلب اضافه کرد.

بلکه مفید از کتب و رسائلی یاد می‌کند که با اطمینان می‌توانیم آنها را به برخی عناوین کتب او نسبت دهیم، چه آثاری که به دست ما رسیده و چه مواردی که در هزارتوی زمان مفقود شده‌اند.

از جمله مفید در المسائل السرویه به پاسخ‌های خود به مسائلی اشاره می‌کند که از نیشابور، موصل، فارس و مازندران به او ارسال شده بودند. با اطمینان می‌توان کتبی چون جوابات ابی الحسن النیشابوری،^{۲۷} جوابات اهل الموصل^{۲۸} و جوابات اهل طبرستان^{۲۹} یا همین کتاب المسائل السرویه را پاسخ‌های مفید به این موارد مورد اشاره‌اش دانست.

گاه مفید به آثاری اشاره می‌کند که نامی از آنها در کتب رجال یافت نمی‌شود. این آثار نیز به طور قطع از خود مفید هستند و با وجود تصریح مؤلف، عدم ذکر نامشان در کتب رجال ضرری به انتساب آنها نمی‌زند. برای مثال مفید در پایان مسئله دوازدهم کتاب المسائل العکبریّه سخن از کتابی می‌گوید که درباره نماز منسوب به ابوبکر [به جای رسول خدا] تألیف کرده است.^{۳۰}

اکنون باید گفت که نام تصحیح الاعتقاد یا نام‌های معروف دیگر این کتاب منسوب به مفید، در هیچ یک از آثاری که امروز از شیخ بزرگوار به دست ما رسیده وجود ندارد، حال آنکه مطالب آن مخصوصاً با عنایت به این مهم که بیانگر اختلاف آراء دو مکتب مهم زمان است، مناسب بود که در مواردی مورد ارجاع شیخ مفید قرار گیرد که چنین امری انجام نشده و شاهد نام این کتاب نمی‌باشیم.

۲. عدم ذکر نام کتاب در رجال نجاشی و فهرست طوسی
نجاشی و شیخ طوسی، دو عالم رجالی بزرگ امامیه از شاگردان شیخ مفید بوده و شرحی از استاد خویش را نیز در کتبشان آورده‌اند. نجاشی بیش از ۱۷۰ کتاب از شیخ مفید را ذکر کرده^{۳۱} و طوسی نیز با بیان اینکه شیخ مفید نزدیک دو بیست تصنیف بزرگ و کوچک دارد و فهرست کتبش معروف است، بیست کتاب از آثار استادش را ذکر کرده و تصریح می‌کند که تمام کتب استاد را از او شنیده است.^{۳۲} احتمالاً فهرستی که نجاشی آورده، برگرفته از همان فهرستی است که شیخ طوسی آن را به معروفیت وصف

نموده است.^{۳۳}

توجه به این نکته ضروری است که نجاشی با ذکر کتب و رسائل کوچک و بزرگ مفید، قصد استقصاء آنها را داشته و به این ترتیب عدم ذکر او آسیبی جدی به شمار می‌آید. البته در مواردی معدود، کتبی توسط دیگران نام برده شده که در فهرست نجاشی نیست. این موارد اگر تفاوت در مستوی و نه اسم نباشند، عمدتاً باید به رساله‌های کوچکی بازگشت کنند که نجاشی به هر دلیلی یا به آنها دست نیافته و یا نامشان را نیاورده است. همچنین نباید از نظر دور داشت که ذکر متقدمان دیگر به غیر از نجاشی در این موارد انگشت‌شمار برای انتساب آن کتب به مفید کفایت خواهد کرد.

به هر روی نام کتاب تصحیح الاعتقاد و عناوین دیگر این کتاب مطلقاً توسط نجاشی و طوسی ذکر نشده است. این در حالی است که گاه برخی کتب مفید که او حتی موفق به اتمام آن نشده بود نیز توسط ایشان ذکر شده است. از جمله شیخ طوسی از رساله‌ای ناتمام در فقه نام می‌برد که مفید آن را برای فرزندش نوشته بود.^{۳۴}

باید توجه داشت این فرض که تصحیح الاعتقاد با نام دیگری در فهرست‌ها آمده باشد، مادامی که مضمون آن نام‌ها پیوستگی با این کتاب و عنوان آن ندارد، مردود خواهد بود. بنابراین وقتی عناوینی چون تصحیح اعتقادات، تصحیح الاعتقاد، شرح عقائد، رد و نقض بر صدوق و امثال آن موجود نیست، ادعا درباره عناوین بی‌ارتباط دیگر، رجم بالغیب و فاقد ارزش خواهد بود.^{۳۵}

تشکیک در انتساب آثار به دلیل عدم ذکر کتاب در فهرست مصتفات نویسنده، دارای سابقه و امری معروف است. از جمله میرزا عبدالله افندی انتساب کتاب المجموع الرائق (اثر سیده‌هبة الله موسوی) را به شیخ صدوق و مفید به دلیل ذکر نشدن کتاب در میان مصتفات ایشان نادرست قلمداد می‌کند.^{۳۶} علامه سید عبدالعزیز طباطبایی نیز در صحت انتساب کتاب «المستجد من الارشاد» به علامه حلی، به دلیل عدم ذکر این عنوان در شمار مؤلفات علامه اظهار تردید کرده است.^{۳۷} همچنین آیت الله خوئی درباره یکی از آثار شیخ مفید سخنانی دارد که به بحث ما ارتباط

۳۳. استاد علامه، سید حسن موسوی خراسان، در مقدمه کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی، در شرح حال شیخ مفید تعداد ۱۹۴ مورد از تألیفات مفید را استنداراک کرده، اما نام تصحیح الاعتقاد را ذکر نکرده‌اند. (رک به: مقدمه تهذیب الاحکام، ص ۲۲-۲۰)

۳۴. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۳۹.

۳۵. مثلاً نمی‌توان گفت کتاب الانتصار یا الافتخار مفید که به دست ما رسیده، احتمال دارد همان تصحیح الاعتقاد باشد!

۳۶. افندی، میرزا عبدالله، تعلیقه أمل الأمل، ص ۳۳۱-۳۳۲.

۳۷. طباطبایی، عبدالعزیز، همان، ص ۳۷.

۲۷. نجاشی، رجال، ص ۴۰۱.

۲۸. همان.

۲۹. همان.

۳۰. مفید، محمد بن محمد، المسائل العکبریّه، ص ۵۵.

۳۱. نجاشی، رجال، ص ۳۹۹-۴۰۲.

۳۲. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۳۸-۲۳۹.

دقیقی دارد. ایشان در اثرگران سنگ رجالی خود پس از نقل برخی مطالب کتاب المسائل السرویه از شیخ مفید در نقد ابن جنید در خصوص این کتاب چنین می‌فرمایند:

إن نسبة هذا الكتاب إلى الشيخ المفيد (قدس سره) لم تثبت، ولم يذكر النجاشي والشيخ له كتابا يسمي بالمسائل السروية، نعم ذكر النجاشي له كتابا وهو النقص على ابن الجنيد في اجتهاد الرأي، ولكن لم يعلم أن المراد به ماذا، فلعل المراد النقص على قول ابن الجنيد بالاجتهاد بالرأي، أي بجواز العمل بالظن، ومما يؤكد عدم صحة هذه النسبة أنها لو صحت لذكرها النجاشي والشيخ، فإن ما نسب إليه أعظم من قوله بالقياس، فكيف لم يطلع على ذلك النجاشي والشيخ وهما تلميذان للمفيد (قدس سره).

نسبت این کتاب به شیخ مفید (قدس سره) ثابت نیست و نجاشی و شیخ کتابی با نام المسائل السرویه برای شیخ مفید ذکر نکرده‌اند. بله، نجاشی کتاب نقض بر ابن جنید در اجتهاد رأی را برای شیخ مفید نام برده، اما مشخص نیست که مراد از آن چیست. شاید منظور نقض بر سخن ابن جنید در اجتهاد به رأی، یعنی جواز عمل به ظن است و از دلایل عدم صحت این انتساب این است که اگر صحیح بود نجاشی و شیخ آن را ذکر می‌کردند؛ چرا که آنچه [نسبت المسائل السرویه] به او [شیخ مفید] نسبت داده شده، از قول ابن جنید به قیاس بزرگ تراست، پس چطور نجاشی و شیخ از آن اطلاع پیدا نکردند، حال آنکه آن دو، شاگرد شیخ مفید بوده‌اند.^{۳۸}

اهمیت ذکر نام کتاب توسط نجاشی و طوسی که از شاگردان و معاصران استاد خویش بوده‌اند، آن قدر است که آیت الله خوئی با تأکید چندباره بر این امر، فقدان این مسئله را دلیل بر ثابت نبودن انتساب کتابی به شیخ مفید می‌داند. البته بین کتاب المسائل السرویه و تصحیح الاعتقاد دو تفاوت مهم وجود دارد که می‌توان آن را به عنوان تأملی در کلام آیت الله خوئی در نظر گرفت.

یکی اینکه اگرچه شیخ طوسی و نجاشی نام کتاب المسائل السرویه را نیاورده‌اند، اما ابن شهر آشوب در معالم العلماء این کتاب را در ضمن آثار شیخ مفید نام برده است.^{۳۹} اهمیت نقل ابن شهر آشوب که خود نیز از متقدمان بوده و حدود یک قرن با نجاشی و طوسی فاصله دارد در این است که المسائل السرویه پاسخ شیخ مفید به سؤالات سیدی فاضل از شهرساری مازندران بوده و ابن شهر آشوب نیز خود متولد همان شهر بوده است. این ظن قوی وجود دارد که کتاب مورد نظر در بغداد به هر دلیلی استنساخ نشده، اما ابن شهر آشوب نسخه‌ای از آن را در شهر خود دیده است.

بنابراین ارزش نقل ابن شهر آشوب در این مورد خاص کمتر از نقل نجاشی یا طوسی نیست. از طرف دیگر این را نیز نباید از نظر دور داشت که شیخ طوسی در فهرست کتب شیخ مفید از کتابی با عنوان «المسائل المازندرانیه» و نجاشی از کتاب «جوابات اهل طبرستان» یاد کرده‌اند.^{۴۰} با توجه به اینکه کتبی با این عنوان به ما نرسیده است، دور از انتظار نیست که المسائل المازندرانیه یا جوابات اهل طبرستان نام‌های دیگر المسائل السرویه بوده باشند. در این صورت اشکال ذکر نکردن نام کتاب توسط نجاشی و طوسی نیز رفع می‌شود.

اما دومین تفاوت از دیدگاه نسخه‌شناسی است. گرچه نسخه‌هایی که امروزه از المسائل السرویه باقی مانده متأخرند، اما نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی^{۴۱} از نسخه‌ای نفیس که تاریخ آن به قرن هفتم بازمی‌گردد

۳۸. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۳۳۷.

۳۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، ص ۱۴۸.

۴۰. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۳۹؛ نجاشی، رجال، ص ۴۰۱.

۴۱. مجموعه شماره ۷۶۱۵.

کتابت شده است^{۴۲} و این امری است که درباره نسخ تصحيح الاعتقاد وجود ندارد. در این باره در قسمت مربوط به نسخه شناسی بیشتر سخن خواهیم گفت.

سخن کوتاه، وجود نداشتن عنوان کتاب تصحيح الاعتقاد به عنوان تألیف شيخ مفيد در کتب رجال نجاشی و طوسی، نسبت این کتاب به مفيد را با چالشی مهم روبرو می سازد. اهمیت این امر با توجه به وجود مقتضی و عدم مانع که به آن خواهیم پرداخت دو چندان خواهد بود.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که ذکر نشدن نام اثری در شمار مؤلفات یک عالم چنان پراهمیت است که حتی وجود نسخ خطی کهن نیز نمی تواند به راحتی آن را جبران کند؛ از جمله گذشت که علامه سيد عبدالعزیز طباطبایی در نسبت المستجد من الارشاد به علامه حلی تردید کرده اند. این در حالی است که از این کتاب نسخه ای کهن به تاریخ ۷۸۴ هجری وجود دارد که کمتر از ۶۰ سال پس از وفات علامه است.^{۴۳}

۳. جای خالی تصحيح الاعتقاد پس از نجاشی و طوسی

جستجوی تصحيح الاعتقاد پس از نجاشی و طوسی نیز با ناکامی روبرو می شود. ابن شهر آشوب، دانشمند بزرگ شیعه که کتاب رجالی معروفی دارد و به تفصیل به آثار شيخ مفيد نیز پرداخته است، در شرح حال او نامی از تصحيح الاعتقاد نمی آورد. اهمیت آراء ابن شهر آشوب تنها در فاصله اندک او با نجاشی و طوسی نیست، بلکه در این است که او گاه کتبی را معرفی کرده که طوسی و نجاشی نیاورده اند، اما در برخی موارد خود مفيد نام آن کتب را در آثار دیگرش ذکر کرده است.

از جمله، ابن شهر آشوب، ضمن ذکر آثار مفيد، به دو کتاب «تقرير الاحکام» و «عقود الدین» اشاره می کند^{۴۴} که نامشان توسط نجاشی و طوسی ذکر نشده است، اما در کتاب الفصول المختاره، شيخ مفيد نام کتاب تقرير الاحکام را آورده است.^{۴۵}

اما جای خالی تصحيح الاعتقاد تنها محدود به کتب رجالی نمی شود. تا پایان هزاره اول هجری و آغاز قرن یازدهم گویانه نامی و نه نقلی از این کتاب در هیچ کجا وجود ندارد. این در حالی است که ویژگی های خاص این کتاب، که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد، عمیقاً اقتضای این یادکرد را داشته است. به غیر از کتب تراجم و رجال، نشانه های کتب قدما را به چند شکل می توان در آثار متأخران از آنان یافت که به سه مورد اشاره می کنیم:

مورد اول، تصریح دانشمندان بعدی به وجود نسخه هایی از آن کتاب است که این مطلب گاه حتی با بیان ویژگی ها و اهمیت نسخه های آنان نیز همراه می شده است که بر اعتبار نقل می افزاید؛ از جمله سيد بن طاووس هنگام نقل از کتاب المقنعه مفيد تصریح می کند که نسخه در تملک ایشان کهن و ارزشمند بوده و در زمان حیات خود مفيد کتابت شده است.^{۴۶}

مورد دوم وجود اجازه هایی است که عالمان بزرگ یکی پس از دیگری کتاب را به طریق خود از مصنف فراگرفته اند که تعداد بی شماری از این اجازات را به شکل مستقل یا مندرج در کتب متعدد می توان

۴۲. مفيد، محمد بن محمد، المسائل السروية، ص ۱۵.

۴۳. نسخه شماره ۱۲۷۰، کتابخانه علامه طباطبایی شیراز.

۴۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، ص ۱۴۹.

۴۵. مفيد، محمد بن محمد، الفصول المختارة، ص ۲۰۴.

۴۶. سيد بن طاووس، فتح الأبواب، ص ۲۸۶.

باشد. حتی بر فرض ارتباط با شیخ صدوق می‌دانیم که صدوق حدود سیصد کتاب داشته است^{۵۱} و این نقد و رد می‌تواند ناظر به هر کتابی از او باشد.

دوم آنکه ظاهراً کتاب مورد نظر در بر صدوق در زمینه تعداد روزهای ماه رمضان بوده و همان کتاب «جوابات اهل الموصل» است. در این زمینه ناگزیر از توضیح هستیم:

در سده‌های آغازین اسلام اقلیتی از عالمان امامیه بنا بر بعضی روایات برای این باور بودند که ماه رمضان هرگز از سی روز کمتر نمی‌شود و همواره سی روزه است. ایشان به اصحاب عدد شهرت داشتند و شخصیت‌هایی چون ابن قولویه و شیخ صدوق از دانشمندان نامداری بودند که این اعتقاد را داشتند.

شیخ مفید در ابتدای جوانی خود نیز بر همین اعتقاد بوده و حتی کتابی با عنوان «لمح البرهان فی عدم نقصان شهر رمضان» را در سن بیست و پنج سالگی تألیف نمود. این کتاب به دست ما نرسیده، اما بخش‌هایی از آن را سید بن طاووس در کتاب شریف الاقبال نقل کرده است.^{۵۲}

مفید در سال‌های بعد از نظر آغازین خود که مربوط به عنفوان جوانی او بود بازگشت^{۵۳} و سه کتاب در ردّ نظریه اصحاب عدد تألیف کرد؛ این سه کتاب عبارتند از:

کتاب جواب اهل الرقة فی الاهلة والعدد، کتاب جوابات اهل الموصل فی العدد والروية و کتاب مصباح النور فی علامات اوائل الشهر. مورد آخر کتابی مفصل و در قطع منصورى و ۱۵۰ برگ بوده است.^{۵۴}

از این سه کتاب، تنها کتاب جوابات اهل الموصل به دست ما رسیده است. در آن کتاب شیخ مفید سه بار کتاب مصباح النور

ملاحظه کرد؛ از جمله سید بن طاووس کتاب المقنعه را با وجود آنکه نسخه‌اش نیز در زمان مفید کتابت شده بوده، از طریق پدرش با سند متصل از شیخ مفید نیز روایت می‌کرده است.^{۴۷} همچنین می‌توان به اجازه شیخ حسین دوریستی به ابوالعلاء اشاره کرد که طبق آن اجازه، مجدالدین ابوالعلاء کتاب الارشاد را از مفید روایت می‌کرده است.^{۴۸} و موارد بی‌شمار دیگر.

مورد سوم اما نقل مطالبی از یک کتاب است؛ چه کتبی که باقی مانده و چه کتبی که از میان رفته‌اند. در ادامه به مطالبی از برخی کتب از میان رفته شیخ مفید که توسط دیگران نقل شده اشاره خواهیم کرد.

جستجوی تصحیح الاعتقاد در تمام این راه‌ها و موارد ناموفق خواهد ماند. نه اجازه و طریق و سندی این کتاب را به ما رسانده، نه نسخه‌ای توسط پیشینیان و قدما معرفی شده و نه از آن در هیچ کجا. پیش از قرن یازدهم. نقلی وجود دارد. شگفت‌آور این است که نه فقط نقل که حتی ذکر نام این کتاب نیز موجود نیست. به راستی چه چیز این کتاب از دیگر آثار مفید کمتر است که برخی از آنها را از خود مفید نیز مشهورتر دانسته‌اند،^{۴۹} اما از این کتاب یاد و نامی در جایی به چشم نمی‌خورد؟

اما در میان آثار شیخ مفید دو کتاب وجود دارد که برخی احتمال یکی بودن آنها با تصحیح الاعتقاد را داده‌اند که ناگزیر از بررسی آن هستیم.

الف) کتاب الرد علی ابن بابویه

ابن شهر آشوب ضمن آثار مفید، کتابی با عنوان «الرد علی ابن بابویه» را معرفی کرده که ممکن است چنین تصور شود که این کتاب همان تصحیح الاعتقاد است. مرحوم علامه سید عبدالعزیز طباطبایی از کسانی بوده که این احتمال را مطرح نموده‌اند.^{۵۰}

در پاسخ به چنین احتمالی باید گفت: اول آنکه شهرت ابن بابویه اگرچه امروز انصراف به شیخ صدوق دارد، اما در زمان مفید لقب دانشمندان متعددی از خاندان صدوق بوده که برخی پیش از مفید و بعضی در زمان حیات او می‌زیستند. رساله مورد نظر می‌تواند در نقد هریک از این افراد، معاصران یا پیشینیان مفید

۴۷. سید بن طاووس، رضی‌الدین علی، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۹۸؛ فتح الاثواب، ص ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۷.

۴۸. طهرانی، محمد محسن، الذریعة، ج ۱، ص ۱۷۰.

۴۹. این تعبیر را علامه مجلسی درباره کتاب الارشاد مفید به کار برده است. (رک به: بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۷)

۵۰. طباطبایی، عبدالعزیز، همان، ص ۶۶.

۵۱. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۲۷.

۵۲. سید بن طاووس، رضی‌الدین علی، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۳ - ۳۴. در متنی که سید از مفید نقل کرده تاریخ نگارش کتاب لمح البرهان سال ۳۶۳ هجری و ۲۵ سالگی شیخ مفید است. البته نجاشی ولادت مفید را سال ۳۳۶ دانسته که بنابراین تاریخ تألیف کتاب، ۲۷ سالگی مفید می‌شود. (نجاشی، رجال، ص ۴۰۲) اما طوسی و ابن ندیم تاریخ ولادت شیخ مفید را ۳۳۸ نوشته‌اند. (رک به: طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۲۹؛ ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب، فهرست، ص ۲۴۷)

۵۳. جالب توجه است که سید بن طاووس پس از تصریح به اختلاف علمای در زمان‌های گذشته بیان می‌کند که او دیگر کسی را نمی‌شناسد که چنین اعتقادی داشته باشد. (اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۳) این نشان می‌دهد که شخصیت علمی شیخ مفید پس از بازگشت از آن نظر، مانند موارد بسیار دیگری تأثیر خود را در جامعه شیعی گذاشته و در اندک زمانی مسیر نظرات را به کلی متحول کرده است.

۵۴. مفید، محمد بن محمد، جوابات اهل الموصل، ص ۱۵. لازم به ذکر است که قطع منصورى از اندازه‌های مشهور کتب در آن زمان بوده است.

خود را معرفی کرده و به آن ارجاع داده است.

آقابزرگ در الذریعه کتابی با عنوان «الرد علی الصدوق فی عدد شهر رمضان» را برای شیخ مفید معرفی کرده و بیان می‌کند که کتاب مورد نظر در کتابخانه سماوی در نجف موجود است.^{۵۵}

این کتاب باید همان کتاب جوابات اهل الموصل باشد؛ چراکه دو کتاب دیگر مفید در خصوص عدد روزهای ماه رمضان، هرگز به زمان ما نرسیده و در کتابخانه‌های نجف نبوده و کسی نیز از آنها اطلاعی نداشته و نقلی نکرده است. از طرف دیگر، دانشمندان بزرگی از امامیه هنگام یادکرد از این کتاب، همواره با عنوان «الرد علی الصدوق» از آن یاد کرده و مطالبی را نیز نقل کرده‌اند که عیناً همان مطالب کتاب جوابات اهل الموصل است.

از جمله می‌توان به محدث نوری در خاتمة المستدرک، استاد الكل وحید بهبهانی در مصابیح الظلام، الفوائد الرجالية و تعلیقة علی منهج المقال و همچنین علامه بحر العلوم در الفوائد الرجالية اشاره نمود.^{۵۶}

بنابراین کتاب الرد علی ابن بابویه که توسط ابن شهر آشوب معرفی شده، باید همین کتاب جوابات اهل الموصل فی العدد والروية باشد که مفید آن را در پاسخ به اشاعه آراء شیخ صدوق نوشته است. آرائی که بعضاً به شکل کتب و رساله‌هایی حتی به عراق نیز ارسال شده بودند. لازم به تذکر است که صدوق رساله‌هایی با عنوان «رسالة وردت فی شهر رمضان»، «رسالة فی شهر رمضان»، «رسالة الی ابی محمد الفارسی فی شهر رمضان» و «الرسالة الثانية الی اهل بغداد فی معنی شهر رمضان» نوشته بود^{۵۷} که آقابزرگ طهرانی به جز مورد اول، موارد دیگر را درباره همین بحث تعداد روزهای ماه رمضان دانسته است.^{۵۸}

علامه سید عبدالعزیز طباطبایی اگرچه خود چنان احتمالی را مطرح کرده، اما در ادامه نیز ترجیح داده‌اند که کتاب «الرد علی بن بابویه»، رد مفید بر صدوق در یکی از دو موضوع سهوالنبی یا عدد و رؤیت (بحث روزهای ماه رمضان) باشد و نه تصحیح الاعتقاد.^{۵۹}

اما علامه بزرگوار در موضعی دیگر، رد بر صدوق در بحث عدد و رؤیت را کتاب «رد العدد» شیخ مفید دانسته که ابن شهر آشوب نام آن را ذکر کرده^{۶۰} و رد بر ابن بابویه را یا تصحیح الاعتقاد یا رساله عدم سهوالنبی دانسته‌اند. این دیدگاه نیز صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چراکه مفید چنان که گذشت در این زمینه سه کتاب تألیف کرده بوده که ابن شهر آشوب تنها نام کتاب مصابیح النور را ذکر کرده و نام دو کتاب دیگر را نیاورده است. کتاب رد العدد می‌تواند همان کتاب جواب اهل الرقة فی الاهلة والعدد باشد و نه کتاب جوابات اهل الموصل که نام این عنوان نیز توسط ابن شهر آشوب ذکر نشده است. شاهد بر این تطبیق این است که بزرگانی که نامشان بیان شد، جوابات اهل الموصل را رد بر صدوق دانسته‌اند.

قابل توجه است که مفید دو کتاب دیگر درباره روزه با عنوان کتاب «عدد الصوم والصلاة» و کتاب «جوابات النضر بن بشیر فی الصیام» نیز تألیف کرده بود^{۶۱} که استاد شادروان این احتمال را داده‌اند که این دو کتاب نیز درباره موضوع عدد باشد. اگر این احتمال را بپذیریم، تعداد تألیفات مفید در این زمینه پنج کتاب و پذیرش احتمالی که استاد فرموده‌اند به مراتب دشوارتر خواهد شد؛ چراکه ابن شهر آشوب نام این دو کتاب اخیر را نیز ذکر نکرده است.

همچنین توجه به این نکته نیز لازم است که ابن شهر آشوب عبارت «الرد علی ابن بابویه» را دقیقاً بعد از نام کتاب مصابیح النور آورده است که می‌تواند دو احتمال مهم را مطرح کند: یکی آنکه این کتاب نیز مانند مورد پیشین خود در بحث از عدد و ماه رمضان بوده است. دوم آنکه اساساً رد بر ابن بابویه عنوانی مستقل و نام کتابی جدید نیست، بلکه تفسیر و توضیح مختصری برای همان مصابیح النور است. به این ترتیب کتاب رد بر ابن بابویه همان کتاب مصابیح النور خواهد بود.

به هر روی اثبات این احتمال که رد بر ابن بابویه همان تصحیح الاعتقاد باشد فوق العاده دشوار و فاقد هرگونه دلیل معتبر و منطقی است.

ب) کتاب جوابات ابی جعفر القمی

به گزارش نجاشی، شیخ مفید کتابی با عنوان «جوابات ابی جعفر القمی» داشته است.^{۶۲} علامه سید عبدالعزیز طباطبایی این احتمال را نیز داده‌اند که منظور از ابوجعفر قمی، شیخ صدوق و

۶۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، ص ۱۴۸.

۶۱. نجاشی، رجال، ص ۴۰۰.

۶۲. همان.

۵۵. طهرانی، محمد محسن، الذریعة، ج ۱۰، ص ۲۰۴.

۵۶. نوری طبرسی، حسین، خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۴۷۸ و ج ۵، ص ۲۲۲-۲۳۲؛

وحید بهبهانی، محمد باقر، مصابیح الظلام، ج ۸، ص ۷۲؛ الفوائد الرجالية، ص ۳۴ و

۳۵؛ تعلیقة علی منهج المقال، ص ۵۶، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۹۸، ۲۱۰، ۳۰۹؛ بحر العلوم،

سید مهدی، الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۵۳.

۵۷. نجاشی، رجال، ص ۳۹۰-۳۹۲.

۵۸. طهرانی، محمد محسن، الذریعة، ج ۵، ص ۱۸۱.

۵۹. طباطبایی، عبدالعزیز، همان.

منظور از این کتاب همان تصحیح الاعتقاد باشد.^{۶۳}

در پاسخ باید گفت:

اول آنکه شیخ صدوق اگرچه اهل قم و کنیه اش ابوجعفر بوده، اما هرگز با عنوان ابوجعفر قمی شهرت نداشته است، بلکه شهرت او ابن بابویه، ابوجعفر ابن بابویه یا صرفاً ابوجعفر بوده و در قرون بعد نیز به صدوق شهرت داشته است. بنابراین بدون آنکه دلیل قطعی در کار باشد، هرگز نمی‌توان چنین عنوانی را مربوط به صدوق دانست.

دوم آنکه این کنیه و نسبت در میان راویان و اصحاب امامیه بسیار مشهور بوده است. از جمله دوازده عالم مشهور در آن عصر و زمان با این کنیه و نسبت (ابوجعفر قمی) وجود داشتند که عبارتند از:

محمد بن علی بن احمد بن هشام، محمد بن اورمه، محمد بن بندار بن عاصم ذهلی، محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، محمد بن جعفر بن بطه مودب، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، محمد بن یحیی العطار القمی، محمد بن علی بن محبوب، محمد بن احمد بن یحیی اشعری، احمد بن ابی زاهر، محمد بن حسن صفار (صاحب بصائر الدرجات) و محمد بن حسن بن الولید (مشهورترین استاد شیخ صدوق).

از قضا شش مورد اول، در کتب رجالی مشخصاً با تعبیر «ابوجعفر القمی» نام برده شده‌اند. بنابراین رساله مورد نظر محتملاً مربوط به یکی از این افراد است. خصوصاً که ایشان از مکتب قم و بعضاً از مشایخ اشعریین بوده‌اند و تفاوت مکتب علمی آنان با مکتب مفید می‌توانست انگیزه مهمی برای پاسخ پرسش‌های آنان باشد.

سوم آنکه تأملی در فهرست کتب مفید می‌تواند در این زمینه راهنمای مناسبی باشد. در کتب مفید ۳۲ کتاب با عنوان «جوابات...» یا «جواب...» و مجموعاً ۲۷ کتاب با عنوان رد یا نقض بردیگران نام برده شده است که حتی برخی در رد دانشمندان شیعه بوده است.^{۶۴} جواب در مقابل سؤال است و اصولاً کتب با عنوان جوابات، پاسخ‌های شیخ مفید به مسائل دیگران بوده و نه کتبی مانند تصحیح الاعتقاد که در رد و نقض دیگر دانشمندان است. بنابراین جوابات ابی جعفر قمی، نه نقض و رد بر شخص مورد نظر که باید پاسخ پرسش‌هایی از نامبرده باشد؛ مانند کتاب جوابات اهل الموصل که جواب‌های شیخ مفید به سؤالات موصلی‌ها درباره بحث ماه رمضان است.

در اینجا بررسی این بخش را به پایان می‌بریم. کوتاه‌سخن اینکه در قرون بعد از مفید و طوسی و نجاشی نیز نه نامی و نه نشانی از این کتاب بی‌نشان وجود دارد و نه کسی از آن نقلی کرده است. گویا هیچ کس چنین کتابی را ندیده، نمی‌شناسد و حتی نامش را نشنیده است.

۴. مروری بر نسخه‌های خطی کتاب

ابتدا ذکر این نکته ضروری است که بررسی این مورد، تنها از باب مؤید و در مقام استشهاد است و نه مثبت و در مقام استناد. توضیح آنکه کم نیستند کتبی از مفید و غیر او که نسخ خطی کهنی از آنها باقی نمانده است، اما به دلایل مختلف، مانند دلایل پیش‌گفته یا وجود مقابله‌هایی معتبر با نسخ کهن از میان رفته، انتسابشان به مؤلفانشان خدشه‌بردار نیست، اما چنانچه دلایل مورد نظر درباره اثری خود محل خدشه و تردید باشند، نبود نسخ کهن خطی نیز به این تردید بیشتر دامن می‌زند و در کنار آن دلایل، شاهی بر عدم

۶۳. طباطبایی، عبدالعزیز، همان، ص ۶۷.

۶۴. مانند نقض شیخ مفید بر ابن جنید. گفتنی است که اگر کتاب «رسالة الجنیدی الی اهل مصر» را نیز نقض یا رد رسالة الجنیدی بدانیم، تعداد مورد نظر ۲۸ کتاب خواهد شد.

صحت انتساب كتاب خواهد بود.

از برخي كتب شيخ مفيد، نسخ خطي كهني وجود دارد كه تاريخ برخي از آنها حتي مربوط به زمان حيات مؤلف عظيم الشان آن است. از جمله مي توان به نسخه خطي كتاب شريف مسار الشيعة به تاريخ ۳۸۹ هجري (۲۴ سال قبل از رحلت شيخ مفيد)،^{۶۵} دو نسخه قرن ششم از كتاب الارشاد،^{۶۶} نسخه قرن ششم كتاب المقنعه،^{۶۷} نسخه المسائل الطوسيه به تاريخ ۷۲۸^{۶۸} و دو نسخه كتاب النكت في مقدمات علم الاصول و مسئله في الارادة به تاريخ ۷۴۰ هجري در دانشگاه آكسفورد بریتانیا^{۶۹} اشاره نمود.

همچنين مجموعه اي از آثار شيخ مفيد كه در قرن هفتم هجري كتابت شده به شماره ۲۴۳ در كتابخانه آيت الله مرعشي موجود است كه شانزده اثر مفيد را شامل مي شود كه عبارتند از: احكام النساء، المسائل الصاغانية، سهو النبي، الاشراف، شرح المنام، المسائل الجارودية، معنى المولى، جوابات اهل الموصل، الفصول العشرة، المسح على الرجلين، النص على علي، العويص، اقسام المولى، تفضيل على على الامة، الغيبة و بخش ديگري از رساله النص على علي (عليه السلام) كه پيش تر ذكر شد.

كتاب هاي مختلفی نيز بوده اند كه نسخ معتبري ممكن است امروز از آنها در دسترس نباشد، اما عالمان و دانشمندان گذشته نسخه هاي كهني آن را در اختيار داشته اند. براي مثال علامه مجلسي چنان كه خود تصريح کرده، نسخه هاي كهني از دو كتاب مجالس (امالي) و اختصاص مفيد را در اختيار داشته است.^{۷۰}

از كتاب تصحيح الاعتقاد اما هيچ نسخه كهني پيش از آغاز هزاره دوم هجري در دسترس نيست. كتابت كهني ترين نسخه از شش نسخه اي كه استاد حسين درگهي در تحقيق و چاپ معروف كتاب تصحيح الاعتقاد از آنها بهره برده اند، به سال ۱۰۴۲ قمری بازمي گردد. البته نسخه ديگري هم پيش از اين تاريخ در دسترس است كه شش سال قبل از آن در تاريخ ۱۰۳۶ قمری به خط علي اكبر قزنجاهي كتابت شده است.^{۷۱} از اين كتاب در ايران حدود سي نسخه وجود دارد و نسخ ديگري نيز در عراق و مناطق ديگر موجود است. مرحوم علامه استاد سيد عبدالعزیز طباطبائي برخي از نسخ اين كتاب در خارج ايران را نيز معرفي کرده اند.^{۷۲} قديمي ترين نسخ خطي اين كتاب عبارتند از:

نسخه ۲۸۲ دانشگاه تهران به تاريخ ۱۰۳۶، نسخه ۶۷۴۷ آستان قدس رضوي به تاريخ ۱۰۴۲، نسخه ۲۰۳۹ كتابخانه ملي به تاريخ ۱۰۷۴، نسخه ۱۲۸۴۱ آستان قدس به تاريخ ۱۰۷۹، نسخه ثقة الاسلام تبريز به تاريخ ۱۰۸۰، نسخه ۳۵۹۷ وزيری يزد به تاريخ ۱۰۸۹، فيلم شماره ۱۹۸۸ كتابخانه دانشگاه تهران به تاريخ ۱۰۹۷ و نسخه ۶۱۲ مجلس كه متعلق به قرن يازدهم يا دوازدهم است.

تأمل در عناوين نسخ كهني كتب مفيد كه برخي از آنها را معرفي كرديم و حدود نيمي از آثار مفيد را شامل مي شود، نشان مي دهد كه عمدتاً كتبي با موضوعات فقه، اصول، تاريخ و عقائد مورد عنايت دانشمندان

۶۵. نسخه شماره ۲۱۶۲ كتابخانه مركزي دانشگاه تهران. نام اين كتاب چنان كه در همين نسخه خطي و ديگر نسخ تا قرن دهم آمده و اين شهر آشوب و سيد بن طاووس نيز بيان کرده اند، «التوايح الشرعية» بوده است، اما از قرن دهم به بعد نام مسار الشيعة براي آن ذكر شده است.

۶۶. نسخه مجلس شوراي اسلامي به شماره ۸۰۹۲ و كتابخانه آيت الله مرعشي به شماره ۱۱۴۴.

۶۷. نسخه كتابخانه آيت الله مرعشي به شماره ۱۲۴۸۳.

۶۸. نسخه شماره ۵۶۴۳ كتابخانه مجلس. اين نسخه، كتاب قواعد الاحكام علامه حلي است كه در پايان آن نيز كاتب چند صفحه سؤال و جواب شيخ طوسي را نيز كه به المسائل الطوسيه شهرت دارد آورده است.

۶۹. اين دو نسخه را استاد علامه، سيد عبدالعزیز طباطبائي معرفي کرده اند. رك به: طباطبائي، عبدالعزیز، همان، ص ۳۲ و ۱۴۲.

۷۰. مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۷.

۷۱. نسخه شماره ۲۸۲ كتابخانه مركزي دانشگاه تهران، از مجموعه اهلايي سيد محمد مشكوة.

۷۲. طباطبائي، عبدالعزیز، همان ص ۶۸ و ۶۹.

بوده و برای استنساخ آنها کوشش می‌شده است.

اکنون جای این پرسش باقی است که چرا تصحیح الاعتقاد با وجود حجم نسبتاً مفصل آن و موضوع اعتقادی و مضمون حساسیت‌برانگیزش مورد توجه ناسخان واقع نشده و هیچ نسخه‌ای از آن قبل از سال ۱۰۰۰ قمری وجود ندارد؟ آیا اهمیت و حساسیت تصحیح الاعتقاد از چند صفحه سؤال و جواب شیخ طوسی از استادش شیخ مفید کمتر است که از آن نسخه‌ای کهن و به تاریخ ۷۲۸ باقی مانده و از نسخ کهن تصحیح الاعتقاد نه خبری و نه اثری است؟

در پایان این قسمت ذکر این امر لازم است که در فهرستواره دنا، نسخه‌ای از کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۳۲۵، با خط نسخ کهن برای کتاب تصحیح الاعتقاد مفید ذکر شده است.^{۷۳} با رجوع به اصل فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران،^{۷۴} اشتباه فاحش مؤلفان فهرست دنا آشکار می‌شود. توضیح آنکه اسلوب فهرست دانشگاه تهران چنین است که ابتدا شرحی از مؤلف و کتاب به دست داده شده و پس از آن با خطی ریزتر مشخصات فنی نسخه خطی از قبیل خط، تعداد و قطع صفحات و... معرفی می‌شود. مؤلفان محترم فهرست دنا به جای آنکه مشخصات نسخه تصحیح الاعتقاد را پس از معرفی آن جست‌وجو کنند، مشخصاتی که قبل از آن ذکر شده و مربوط به کتاب «تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد»^{۷۵} است را به جای مشخصات تصحیح الاعتقاد گرفته و به این ترتیب هم شماره نسخه^{۷۶} و هم مشخصات آن را با مورد قبل خلط کرده‌اند.

۵. شأنیت تواتر، وجود مقتضی و عدم مانع

در اینجا به بررسی نکات مهمی می‌پردازیم که پیش‌تر وعده آن را داده‌ایم. تصحیح الاعتقاد کتابی از مفید در ردّ و نقد بر صدوق است. این دوازدهم بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عالمان تاریخ شیعه امامیه هستند. صدوق به دعای امام عصر (علیه السلام) متولد شده^{۷۷} و مفید مفتخر به دریافت دو توقیع از ناحیه مقدسه با تعابیر و ستایش‌هایی بی‌مانند بود.^{۷۸}

صدوق چهره بزرگ شیعه در خراسان^{۷۹} و شخصیت بی‌نظیر مکتب قم در حفظ و کثرت علم و دانش^{۸۰} و شهره شرق و غرب جهان تشیع^{۸۱} بود. او را پیشوای عصر خود،^{۸۲} امام فرزند امام،^{۸۳} عروة الاسلام^{۸۴} و رکنی از ارکان شریعت^{۸۵} دانسته‌اند و اکثر عالمان امامیه کلام او و پدرش را در حکم نص منقول و خبر مأثور قلمداد می‌کردند.^{۸۶}

مفید نیز رئیس شیعه امامیه در فقه و کلام و آثار،^{۸۷} زبان شیعه امامیه،^{۸۸} رئیس رؤسای آیین و فاتح ابواب تحقیق،^{۸۹} زنده‌کننده دین و محوکننده بدعت و زشتی^{۹۰} و صاحب مئت بر تمام پیشوایان^{۹۱} و دانشمندی بود که جمعی بسیار از عالمان دیگر مذاهب نیز در محفل درسش حاضر می‌شدند^{۹۲} و اساساً چه می‌توان گفت درباره شخصیتی که فضیلت او را مشهورتر از توصیف و معروف‌تر از خورشید دانسته‌اند.^{۹۳}

کتابی که از یکی از این دو شخصیت در نقد و ردّ بردیگری با تعابیری که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت منتشر شود و حجمی به مراتب فراتر از رساله‌های کوچک و مختصر هم داشته باشد، اقتضای انتشار گسترده را دارد؛ چه از جانب موافقان ناقد که در قرون پس از او عمدتاً مرجعیت علمی شیعه را بردوش داشتند و چه از جانب دیگر، در دفاع از نماینده بزرگ و بی‌نظیر مکتبشان.

حداقل می‌توان این انتظار را داشت که در بحث‌های علمی، چنان‌که پس از طلوع کتاب تصحیح الاعتقاد در قرن یازدهم اتفاق افتاده است، شاهد یادکرد و ذکر نام و نقل‌هایی از این کتاب و

۷۹. نجاشی، رجال، ص ۳۸۹.

۸۰. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۳۷.

۸۱. افندی، میرزا عبدالله، تعلیقه اهل الأمل، ص ۲۷۹.

۸۲. تعبیر از محقق کرکی است. (رک به: بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۴۶) اجازه محقق کرکی به شیخ ابراهیم بن علی بن عبدالعالی.

۸۳. تعبیر از شهید اول است. رک به: بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۹۰ اجازه شهید اول به این خازن حائری.

۸۴. میرداماد، محمدباقر، اثناعشر رساله، ج ۱، ص ۱۲؛ ج ۲، ص ۵۸؛ ج ۳، ص ۱۳؛ ج ۴، ص ۱۹-۴۳؛ الرواشح السماویة، ص ۶۴، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۷۱، ۱۹۷، ۲۳۸، ۲۵۵.

۸۵. بحرالعلوم، سیدمهدی، الفوائد الرجالیة، ج ۳، ص ۲۹۲.

۸۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴۰۵.

۸۷. تعبیر از معاصر شیخ مفید، ابن الندیم است. (رک به: الفهرست، ص ۲۴۷)

۸۸. ذهبی، محمد بن احمد، العبر فی خبر من غیر، ج ۳، ص ۱۱۴؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۸، ص ۳۳۳. ذهبی این عبارت را از کتاب ابن ابی طی درباره شیعیان نقل کرده و آن کتاب را در یکجا تاریخ الامامیه و در موضع دیگر تاریخ الشیعة نامیده است.

۸۹. بحرالعلوم، سیدمهدی، الفوائد الرجالیة، ج ۳، ص ۳۱۱.

۹۰. نوری طبرسی، حسین، خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۲۲۱.

۹۱. ابن حجر، احمد بن علی، لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۹۲. ابن کثیر، اسماعیل، البدایة والنهایة، ج ۱۲، ص ۱۹.

۹۳. نجاشی، رجال، ص ۳۹۹؛ مجلسی، محمدباقر، الوجیزة فی الرجال، ص ۱۷۱.

۷۳. درابنی، مصطفی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، ج ۳، ص ۳.

۷۴. دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۵۶۷.

۷۵. اثر شمس‌الدین محمود بن ابی القاسم عبدالرحمن بن احمد سپاهانی (اصفهانی).

۷۶. شماره صحیح نسخه مذکور ۲۸۲ است و در سال ۱۰۳۶ قمری توسط علی‌اکبر قزنجاهی کتابت شده است. (رک به: دانش‌پژوه، محمدتقی، همان، ص ۵۶۹)

۷۷. نجاشی، رجال، ص ۲۶۱؛ طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ص ۳۰۹، ۳۲۰، ۳۲۱.

۷۸. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۸-۳۲۵.

استناد به آن باشیم که نیستیم.

این همان «وجود مقتضی» است که بخشی از عنوان این قسمت است. همچنین باید انتظار داشت چنین کتابی از چنین شخصیتی و در نقد چنان شخصیتی حداقل نسخ مهم و معتبری داشته یا ذکری از آنان به میان آمده و خود امروز مفقود شده باشند. جالب توجه است که در آغاز قرن یازدهم با انتشار تصحیح الاعتقاد دقیقاً همین اتفاق افتاده است. نسخه‌های بسیاری در سال‌های مختلف و با اندک فاصله‌هایی در قرن یازدهم نگاهشته شده‌اند که گویای اهمیت زیاد کتاب و اقتضای انتشار آن است. از طرف دیگر مانعی برای نشر این کتاب نیز وجود نداشته است. بحث علمی همواره بین بزرگان مکاتب وجود داشته و دارد. احتمال تقیه نیز با توجه به درون مذهبی بودن ماجرا منتفی است. به دیگر سخن شأن تصحیح الاعتقاد متواتر شدن بوده که نه تنها نشده که حتی نام و یادی نیز از آن وجود ندارد.

اصولی‌ها مثالی دارند که ذکر آن در این بحث خالی از لطف نیست. مرحوم شعرانی در تعلیق بر شرح اصول کافی می‌نویسد:

ذکر العلماء الأصولیون من علائم کذب الخبر عدم تواتر ما من شأنه أن يتواتر ومثلوا لذلك بخبر سقوط المؤذن من المنارة يوم الجمعة في المسجد الجامع إذا لم يتواتر، ووجود بلد عظیم بین بغداد و سمرن راه لم یره أحد.

علمای اصولی یکی از علائم کذب خبر عدم تواتر آنچه شأنش متواتر شدن است ذکر کرده‌اند. مثالشان در این باره متواتر شدن خبر سقوط مؤذن از مناره در روز جمعه در مسجد جامع یا وجود شهری عظیم بین بغداد و سامراست که کسی آن را ندیده باشد.^{۹۴} بنابراین اگر شأن مطلبی متواتر شدن بود، اما آن خبر چنین نباشد، این خود از علائم دروغ بودن آن ادعاست. در علم درایة الحدیث نیز به همین مطلب اشاره شده است. رجالی کبیر، مرحوم مامقانی در بیان مثال اخباری که دروغ بودنشان آشکار است چنین می‌نویسد: ومنه الخبر الذی تتوفر الدواعی علی نقله و لم ینقل، کسقوط المؤذن عن المنارة و نحو ذلك.

از آن دسته است خبری که انگیزه برای نقلش فراهم باشد اما نقل نشود، مثل سقوط مؤذن از مناره و مانند آن.^{۹۵}

همچنین در بحث از اخبار جعلی و بیان معرّفات وضع، یکی از قرائن و امارات دلالت‌کننده بر جعلی بودن خبر را چنین برمی‌شمارد:

أن یکون إخبارا عن امر جسیم تتوفر الدواعی علی نقله بمحضر الجمع، ثم لا ینقله منهم الا واحد.

مانند آنکه خبر مربوط به امر عظیمی باشد که انگیزه‌های نقل همگانی‌اش فراهم باشد، اما فقط یک نفر آن را نقل کند.^{۹۶}

به تنقیح مناظ می‌توان همین قاعده را درباره کتابی که شأن آن متواتر شدن بوده و انگیزه نقل و انتشار همگانی‌اش فراهم باشد نیز جاری و ساری دانست. با همه این اوصاف، این کتاب هرگز نه معرفی شده، نه نقلی از آن شده، نه کسی یادی از آن کرده و نه نسخه خطی^{۹۷} از آن موجود است و دقیقاً تمام این انتظارات پس از نشر آن در قرن یازدهم برآورده می‌شود. نشر تصحیح الاعتقاد پس از تولدش، آن چنان گسترده و وسیع انجام شده که عالمان بزرگ نیز آن را از باب ارسال مسلم، تألیف مفید دانسته و در آن تردیدی نکرده‌اند. این همان متواتر شدن چیزی است که شأن آن تواتر است، اما با قرن‌ها تأخیر انجام شده است!

بخش دوم: واکاوی محتوا و ساختار تصحیح الاعتقاد

پس از پایان نقد درونی کتاب لازم است نقد بیرونی آن انجام شده و به دنبال دلایل و شواهدی در ساختار و محتوای کتاب باشیم که انتساب اثر را به شیخ مفید به چالش می‌کشند. این بخش را نیز در دو گفتار درباره محتوا و ساختار کتاب ارائه می‌دهیم.

۱. نگاهی گذرا به محتوای کتاب

۱-۱. تعابیر مفید درباره صدوق

در جای جای کتاب، به تعابیری برمی‌خوریم که پذیرش صدور آن از مفید علیه صدوق نه تنها دشوار که شبیه به محال است. نمونه‌هایی از این موارد را ذکر و سپس بررسی خواهیم کرد.

در بحث از قضا و قدر، مفید در نقد روایات مورد استناد صدوق می‌نویسد:

ابوجعفر در این باب بر احادیث شاذی تکیه کرده که در صورت صحّت و اثبات اسناد آن، وجوهی دارد که علما آن را می‌دانند. او در این باره سخن مفیدی نگفته است. سزاوار بود اگر معنایی

۹۶. همان، ص ۲۹۵.

۹۷. آشکار است که منظور نسخ خطی کهن است.

۹۴. مازندرانی، محمد بن اسماعیل، شرح اصول الکافی، ۱۲، پاورقی ص ۳۲۰.

۹۵. مامقانی، محمد رضا، مقباس الهدایة فی علم الدرایة، ج ۱، ص ۷۴.

برای قضاء نمی شناسد، از کلام درباره آن خودداری کند.^{۹۸}

همچنین در باب مشیت و اراده سخنان بسیار تندی علیه صدوق گفته شده است:

آنچه شیخ ابوجعفر گفته ثابت نیست، معانی آن اختلاف و تناقض دارد و دلیل این امر این است که او بر ظواهر احادیث مختلف عمل کرده و از کسانی نبوده که اهل نظر باشد و بین حق و باطل احادیث بتواند تشخیص دهد و بر آنچه موجب حجت است عمل نماید و کسی که مذهبش در سخنان مختلف و تقلید راویان چنین باشد، حالش در ضعف همین خواهد بود که گفتیم.^{۹۹}

همچنین در باب نفوس و ارواح، اهانت به صدوق شدت گرفته و چنین آمده است:

کلام ابوجعفر در نفس و روح، بدون تحقیق و بر مذهب حدس است. اگر او صرفاً اخبار را می آورد و به ذکر معانی آنها نمی پرداخت برایش بهتر از ورود در راهی بود که در پیمودنش ناتوان است.^{۱۰۰}

در باب عالم ذر نیز شاهد چنین تعبیری هستیم:

کسی که هیچ معرفتی به حقائق امور ندارد، شایسته نیست که در آنها بی درایت صحبت کند؛ آنچه ابوجعفر در معنی روح و نفس آورده عیناً همان سخن اهل تناسخ است و صدوق این را نمی دانسته است. پس جنایت این کار بر خود او و دیگران بزرگ است.^{۱۰۱}

در بررسی این عبارات بیان دو نکته مهم ضروری است:

اول آنکه نقد این عبارات صرفاً ناظر به گزندگی و تندی کلام، آن هم نسبت به کسی که از او علم آموخته شده و بی سابقه بودن این گونه تعبیر از شیخ مفید نسبت به صدوق نیست، بلکه بیشتر به محتوای این عبارات تند مربوط می شود؛ چنان که ملاحظه شد صدوق در این عبارات شخصی معرفی شده که معنایی برای برخی معارف نمی شناسد، اهل نظر نیست و بین حق و باطل احادیث نمی تواند تشخیص دهد، بر مذهب حدس و گمان عمل می کند و صرفاً لازم بود که اخبار را بیان نماید و از بررسی آنها خودداری ورزد و هیچ معرفتی به حقائق امور ندارد!

این گونه تعبیر آن هم در حدی ملایم تر شاید درباره برخی از اخباریان که فکر جامدی داشتند و هرگز از نص عبور نمی کردند و توان بررسی حدیث را نداشتند صادق باشد،^{۱۰۲} اما نگاه به شخصیت علمی صدوق و معرفی او از جانب علمای بزرگ و اصولی نشان خواهد داد که چه میزان شخصیت آن بزرگوار بیگانه از چنین تعبیر نازیبایی است.

شیخ طوسی که او را «امام مذهب پس از ائمه معصومین» دانسته اند^{۱۰۳} و از مهم ترین تربیت شدگان مکتب

۹۸. مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۵۴.

۹۹. همان، ص ۴۹.

۱۰۰. همان، ص ۷۹.

۱۰۱. همان، ص ۸۶ - ۸۷.

۱۰۲. مانند فرد اخباری که به نقل از صاحب منتهی المقال، به محض شنیدن این که کتابی که در دست او است، شرائع الاسلام محقق حلی است، مانند فردی که عقرب او را گزیده باشد کتاب را بر زمین انداخت! یا مانند اخباریونی که به گفته استاد الكل وحید بهبهانی، کتب فقهاء شیعه را با دستمال برمی داشتند! (رک به: مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال، ج ۲، ص ۲۵۹). یا مانند فرد اخباری که پوشیدن لباس هایی غیر از نوع لباس های ائمه را ممنوع می دانست که حتی صاحب حدائق که خود نیز اخباری است، این عمل را جهل محض خوانده است. (رک به: بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، ج ۱، حاشیه ص ۲۷)

۱۰۳. تعبیر از شهید اول در اجازه به ابن خازن حائری است و بعدها علامه بحر العلوم نیز در رجال خود همین را گفته است. رک به: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۸۹؛ بحر العلوم، سید مهدی، الفوائد الرجالیة، ج ۳، ص ۲۲۸.

مفید به شمار می‌رود، در کتاب الفهرست، صدوق را بصیر به رجال احادیث، ناقد اخبار و شخصیت بی نظیر مکتب قم در حفظ و کثرت دانش قلمداد کرده است و در کتاب رجال خود نیز از او با تعبیر بصیر به فقه و اخبار و رجال یاد کرده است.^{۱۰۴}

فقیه اصولی بزرگ، ابن ادریس حلی که او را «فخرآیین، حق و دین»^{۱۰۵} و «رئیس مذهب»^{۱۰۶} دانسته اند نیز صدوق را بصیر به اخبار، ناقد آثار و عالم به رجال دانسته است.^{۱۰۷}

اصولی نحری، میرداماد استرآبادی نیز صدوق را فقیهی عمیق در دوران پیشی، بصیر به رجال و ناقد اخبار دانسته که در حفظ و ضبط و نقد اخبار و گستردگی دانش، به دوردست‌ها رسیده و هیچ کس در معرفت به احادیث هم وزن و قابل قیاس با او و پدرش نبوده است.^{۱۰۸}

علامه مجلسی نیز او را از اعظامی دانسته که از رأی و هوس پیروی نمی‌کنند و اکثر عالمان، کلام او را به منزله نص منقول و خبر مأثور به شمار می‌آورده اند.^{۱۰۹}

بنابراین چنان تعابیری علیه چنین شخصیتی هرگز نمی‌تواند از مفید که خود از محضر صدوق در احادیث استفاده کرده بود و از او با تعبیر «شیخ فقیه ما» یاد کرده صادر شود،^{۱۱۰} بلکه حتی شایسته عالمانی با مراتب نازل تر از شیخ صدوق هم نیست. می‌توان آراء صدوق را در مواردی خاص نپذیرفت یا به آنها نقد علمی وارد کرد، اما نمی‌توان چنین مردی را به بی‌دانشی متهم ساخت و مقام او را در حد یک عامی فاقد معرفت تنزل داد!

دوم آنکه این‌گونه نبوده که مفید هیچ‌گاه نقدی به صدوق نداشته باشد، اما ادبیات مفید در آن نقدها خود دلیل بر ناراستی انتساب این تعابیر به ایشان است. برای نمونه می‌توان به عبارتی اشاره کرد که مفید در اوائل المقالات درباره بحث سهوالنبی بیان کرده است. او پس از بیان اعتقاد تمام امامیه به عدم جواز سهو النبى، فردی که «به ظاهر روایاتی که تأویلی خلاف گمان نادرست او در این باب دارد متمسک شده است» را از این اعتقاد و اجماع استثنا می‌کند.^{۱۱۱} روشن است که منظور از این فرد شیخ صدوق است، اما شیخ مفید نه فقط نام او را ذکر نکرده که با رعایت احترام نیز نظر انتقادی خود را بیان کرده است.^{۱۱۲}

۱-۲. بحث شهادت معصومان (علیهم السلام) در باب اعتقاد در نفی غلو و تفویض کتاب الاعتقادات، شهادت پیامبر و تمام امامان و قاتلان

۱۰۴. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۲۷؛ الاواب، ص ۴۳۹. جالب توجه است که ستایش‌های طوسی از صدوق در کتاب الفهرست کم از ستایش او از مفید ندارد.

۱۰۵. تعبیر از محقق کرکی است. رک به: بحارالانوار، ج ۱۰۵، ص ۷۱. اجازه محقق به قاضی صفی‌الدین عیسی.

۱۰۶. تعبیر از شهید اول در یکی از اجازات خود است. (رک به: بحرانی، یوسف، لؤلؤة البحرین، ص ۲۶۷)

۱۰۷. ابن ادریس، محمد بن منصور، السرائر، ج ۲، ص ۵۲۹.

۱۰۸. میرداماد، محمدباقر، شرعة التسمیة، ص ۴۶، ۷۱، ۷۲. به نقل از مقدمه تحقیق کتاب الهدایة صدوق، ص ۲۱۴.

۱۰۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۰۵.

۱۱۰. این تعبیر را مفید در کتاب لمح البرهان آورده که توضیحش پیش‌تر گذشت. (رک به: سید بن طاووس، رضی‌الدین علی، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۴)

۱۱۱. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ص ۶۵. لازم به تذکر است که در کلام شیخ مفید عبارت «ظنه الفاسد» وارد شده که ممکن است تعبیر تندی به حساب بیاید، اما باید توجه داشت که کلمه فاسد برخلاف بار غالباً منفی که امروز دارد، در لغت و خصوصاً ادبیات گذشته به معنی نادرست و نقیض صلاح بوده است؛ چنان‌که مفسده نیز در مقابل مصلحت استعمال می‌شده و می‌شود. (رک به: فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۷، ص ۲۳۱؛ محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۳۵؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۳، ص ۵۱۹)

۱۱۲. لازم به ذکر است که رساله‌ای در رد مسئله سهوالنبی به مفید نسبت داده می‌شود که در آن نیز تعابیر تند و شدیدی علیه صدوق وجود دارد. انتساب این رساله به مفید از دیرباز محل تردید جدی بوده که اکنون مجال پرداخت به آن نیست. علامه مجلسی در بحارالانوار بیان می‌کند که این رساله به دست ما رسیده و به شیخ مفید یا سید مرتضی نسبت داده می‌شود. (رک به: بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۲۲)

هدایت طلبان و داوری بین اهل اختلاف نگاشته بود.^{۱۱۶} بنابراین پرواضح است که به طور قطع به شهادت رسول خدا ایمان داشته و این تناقض آشکار با نظر مندرج در تصحیح الاعتقاد است.

دوم آنکه در این عبارات ادعا شده که خبر شهادت امام رضا (علیه السلام) مورد شک و تردید است. این در حالی است که شیخ مفید در کتاب شریف الارشاد نه تنها بیان می‌کند که مأمون پس از بدگویی و فعالیت‌های حسن بن سهل و فضل بن سهل علیه امام (علیه السلام) تصمیم به قتل آن حضرت گرفت، بلکه سه روایت صریح را نیز درباره مسموم کردن امام رضا (علیه السلام) توسط مأمون می‌آورد.^{۱۱۷}

در اینجا نیز باید توجه داشت که شیخ مفید چنان که در مقدمه کتاب آورده در پی ثبت تاریخ ائمه از مواردی بوده که موجب علم و معرفت به احوال ایشان باشد و خواننده کتاب با مطالعه آن بتواند تفاوت شبهات و بیّنات و ادعاهای و اعتقادات را بداند و به حقیقت اعتماد نماید.^{۱۱۸} بنابراین مفید هرگز تردیدی در شهادت امام رضا (علیه السلام) نداشته و ادعای مندرج در تصحیح الاعتقاد در تناقض با عقیده صریح اوست.

سوم آنکه اخبار شهادت امام رضا (علیه السلام) متواتر است.^{۱۱۹} این تواتر در کنار عمومات اخباری که به شهادت همه ائمه و اخباری که به طور خاص به شهادت اکثر آن بزرگواران اختصاص دارد، پذیرش عبارت تصحیح الاعتقاد را آن قدر دشوار کرده که علامه مجلسی ناگزیر از توجیه آن و حملش به نفی تواتر و نه رد آن اخبار شده است.^{۱۲۰} پیدا است که توجیه علامه ترجیح بلا مرجح است و نص عبارت مفید در تصحیح الاعتقاد نفی اصل واقعه و اخبار آن است.

چهارم آنکه در روایات مختلف، به صراحت سرنوشت قتل و شهادت برای تمامی ائمه (علیهم السلام) بیان شده است. این امر در ادوار مختلف حتی مرتکز اذهان عموم شیعیان بوده، چنان که در قرون ششم، هفتم و نهم، استدلال به اخباری با این مضمون برای اثبات شهادت تمام امامان معصوم به بسیاری از علما و شیعیان نسبت داده شده است.^{۱۲۱}

آن بزرگواران را بیان کرده است. در نقد این قسمت در تصحیح الاعتقاد سخنانی از مفید آمده که گاه مورد استناد دشمنان مذهب و منحرفان نیز واقع می‌شود. آن سخنان را نقل و سپس با مقایسه با دیدگاه‌های قطعی شیخ مفید به بررسی آن خواهیم پرداخت:

فأما ما ذكره أبو جعفر (رحمه الله) من مضي نبينا والأئمة (عليهم السلام) بالسم والقتل، فمنه ما ثبت، ومنه ما لم يثبت، والمقطوع به أن أمير المؤمنين والحسن والحسين (عليهم السلام) خرجوا من الدنيا بالقتل ولم يميت أحدهم حتف أنفه، وممن مضي بعدهم مسموما موسى بن جعفر (عليه السلام) ويقوى فى النفس أمر الرضا (عليه السلام) وإن كان فيه شك، فلا طريق إلى الحكم فيمن عداهم بأنهم سموا أو اغتيلوا أو قتلوا صبيرا، فالخبر بذلك يجرى مجرى الإرجاف، وليس إلى تيقنه سبيل.

آنچه ابو جعفر درباره درگذشت پیامبر ما و امامان به وسیله سم و قتل ذکر کرده، برخی از آن ثابت است و برخی ثابت نیست. آنچه قطعی است این است که امیر مؤمنان و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) کشته شده‌اند و کسی از ایشان به مرگ طبیعی از دنیا نرفته است. پس از ایشان نیز موسی بن جعفر مسموم از دنیا رفته و این احتمال درباره امام رضا نیز وجود دارد، گرچه در آن تردید است. پس درباره غیر از ایشان نمی‌توان حکم کرد که ترور شده و یا با زجر کشته شده‌اند و خبری که در این باره وجود داشته باشد مصداق اخبار دروغ و اراجیف^{۱۲۲} است و راهی برای یقین به آن نیست.^{۱۲۳}

در بررسی این سخنان باید گفت:

اول آنکه در این عبارات شهادت پیامبر خدا پذیرفته نشده و مصداق اراجیف دانسته شده است، حال آنکه شیخ مفید به صراحت در کتاب شریف المقنعه این امر را عنوان کرده و رحلت پیامبر را به وسیله سم دانسته است.^{۱۲۴}

توجه کنیم که شیخ مفید چنان که در مقدمه المقنعه تصریح کرده، کتاب را برای اعتماد در امور دین، افزایش معرفت و یقین، راهنمایی

۱۱۳. ارجاف چنان که در لغت آمده به معنی ورود در اخبار ناپسند و فتنه هاست و جمع آن اراجیف اخبار است. (رک به: ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۱۳، جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۴، ص ۱۳۶۳) در قرآن کریم نیز آیه «وَأَلْمُزَجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لِيُتَفَرِّقَنَّكُم بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوَزُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (الاحزاب: ۶۰) به همین امر اشاره داشته و مربوط به کسانی است که باطل را اشاعه می‌دانند و خیر دروغ گشته شدن پیامبر یا اسارت ایشان را به قصد فتنه منتشر می‌کردند. (رک به: قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۷؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ج ۸، ص ۳۶۱)

۱۱۴. مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الامامية، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.

۱۱۵. مفید، محمد بن محمد، المقنعه، ص ۴۵۶.

این اخبار از امامان مختلفی نیز به ما رسیده است. در یکی از روایات از امام حسن مجتبی (علیه السلام)،^{۱۲۲} در روایتی دیگر از امام صادق (علیه السلام)^{۱۲۳} و در روایت شیخ صدوق با سند صحیح از امام رضا (علیه السلام) وارد شده است.^{۱۲۴}

از طرفی فرض بی اطلاعی «رئیس شیعه امامیه در فقه و کلام و آثار» از این روایات نیز نامعقول است؛ چراکه شیخ طوسی در ذکر شیخ صدوق در کتاب الفهرست تصریح می‌کند که تمام کتب و روایات صدوق را از طریق برخی اساتید خویش از جمله شیخ مفید فرا گرفته است.^{۱۲۵}

سخن کوتاه، این سخنان نیز به هیچ عنوان نمی‌تواند از فردی چون شیخ مفید باشد.

۱-۳. پیرامون عصمت معصومان (علیهم السلام)

اعتقاد منسوب به شیخ مفید درباره عصمت نیز در تصحیح الاعتقاد از مواردی است که نه تنها با دیدگاه‌های ایشان که با ضرورت مذهب ناسازگار است. مفید در تصحیح الاعتقاد تصریح می‌کند که در روایات آمده که معصومان قبل از بلوغ مانند عیسی و یحیی نقص و جهل نداشتند و این امر مورد انکار عقل نیست و راهی هم برای تکذیب اخبار نیست، اما در کمال شگفتی پس از آن می‌نویسد:

والوجه أن نقطع علی کمالهم (علیهم السلام) فی العلم والعصمة فی أحوال النبوة والإمامة، وتوقف فیما قبل ذلك، وهل كانت أحوال نبوة وإمامة أم لا ونقطع علی أن العصمة لازمة لهم منذ أكمل الله تعالی عقولهم إلى أن قبضهم علیهم السلام.

ما به کمال آنان در علم و عصمت در احوال نبوت و امامت یقین داریم، اما درباره پیش از آن و اینکه آیا مانند احوال نبوت یا امامت بوده یا خیر متوقف هستیم و قطع داریم که عصمت، از زمانی که خدا عقول معصومان را کامل کرده تا وقتی رحلت کرده‌اند همواره با ایشان بوده است.^{۱۲۶}

درباره این سخنان باید گفت:

اول آنکه این عبارات خلاف ضرورت مذهب واحادیثی است که از حد تواتر بیرون است. کمال پیامبر خدا و اهل بیت طاهرین ایشان منحصر در زمان امامت یا نبوت نبوده و همواره برترین بندگان خدا و کامل‌ترین ایشان بوده‌اند.

وقتی در روایات صحیح وارد شده که هر آنچه به جمیع پیامبران عطا شده به پیامبر اسلام نیز عطا شده است،^{۱۲۷} آیا می‌توان پذیرفت که یحیی و عیسی به نصّ قرآن^{۱۲۸} در کودکی پیامبر خدا. و معصوم و صاحب کمال باشند، اما پیامبر اسلام تا چهل سالگی والعیاذ بالله عقلش کامل نشده باشد!؟

مطابق اعتقاد شیعیان، اهل بیت کوچک و بزرگ ندارند و بلکه چنان‌که در روایات آمده کم‌سن و سالان ایشان نیز از بزرگان‌شان موبه موبه ارث می‌برند،^{۱۲۹} چنان‌که پیامبر خدا به تعبیر امیرمؤمنان (علیه السلام) در کودکی نیز «بهترین آفریدگان»^{۱۳۰} بوده‌اند. روشن است که آفریدگان تنها منحصر در زندگان نیست و اسم تفضیل بهترین نیز هر کمال و نیکی را شامل می‌شود و اختصاص به مورد یا موارد خاصی نخواهد داشت.

دوم آنکه مطابق مواردی دیگر، این ادعا با تصریحات دیگر شیخ مفید ناسازگار است. از جمله ایشان در اوائل المقالات در بحث از عصمت انبیاء و ائمه (علیهم السلام) تفاوتی بین عصمت ایشان در قبل و بعد نبوت و امامت قائل نیست.^{۱۳۱}

بنابراین این مورد نیز که از قضا مخالف ضرورت مذهب واحادیث متواتر و قطعی است، از جمله موارد دیگری است که ادعای تصحیح الاعتقاد با اعتقاد و سخن مفید همخوانی ندارد.

۱-۴. تفسیر و حدیث پژوهی در تصحیح الاعتقاد

در تصحیح الاعتقاد مواردی وجود دارد که عمیقاً با شأن علمی،

۱۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۲۲۵. علامه مجلسی نیز این مضمون را به اخبار بسیار نسبت داده است. (رک به: بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۷۹)

۱۲۸. مریم: ۱۲ - ۲۹.

۱۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۳۲۰؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۳۱۶؛ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۶. عبارت «القلدة بالقلدة» که در این روایات شریفه وارد شده، مثالی است که برای دوشینی استعمال می‌شود که مساوی وبدون تفاوت هستند. رک به: ابن اثیر، محمد بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الآثار، ج ۴، ص ۲۸.

۱۳۰. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ج ۱، ص ۲۰۰، خطبه ۱۰۵. در زیارتی برای آن حضرت این عبارت با تعبیر «عین البریة طفلاً، وخیرها شاباً وکهنلاً» آمده که بیانگر عدم تفاوت کودکی و جوانی و بزرگسالی پیامبر خداست. (رک به: ابن المشهدی، محمد بن جعفر، المزار، ص ۷۷)

۱۳۱. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ص ۶۲ و ۶۵.

علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۱؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۲۷؛ ابن صباغ، علی بن محمد، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۰۹۳.

۱۲۲. خزاز قمی، علی بن محمد، کنایة الآثار، ص ۱۶۲.

۱۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۳۲؛ ابن شهر آشوب، محمد بن

علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۱؛ اربلی، کشف الغمة، علی بن عیسی، ج ۳، ص ۲۲۷؛ ابن صباغ، علی بن محمد، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۰۹۳.

۱۲۴. صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۱۲۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵.

۱۲۵. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۳۸.

۱۲۶. مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقاد، ص ۱۲۹ - ۱۳۰.

بازنگری در انتساب یک کتاب به شیخ مفید؛ وداع با تصحیح الاعتقاد: نقیسه و بررسی حدیثی

قلم و گستره دانش شیخ مفید ناسازگار است. برای نمونه یک مورد را که به یکی از احادیث مربوط می‌شود از جنبه‌های مختلف مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

صدوق در اولین باب کتاب اعتقادات، آیه شریفه «یا ایلیس ما منعک أن تسجد لما خلقت بیدی» را آورده و تفسیر «بقدرتی و قوتی» را برای آن ذکر می‌کند. مفید در رد این قسمت چنین می‌گوید:

لیس هذا هو الوجه فی التفسیر، لأنه یفید تکرار المعنی، فکأنه قال: بقدرتی وقدرتی أو بقوتی وقوتی، إذ القدرة هی القوة والقوة هی القدرة، ولیس لذلك معنی فی وجه الکلام.

این تفسیر درست نیست؛ چراکه موجب تکرار معنی است، مانند اینکه بگویید به قدرتم و قدرتم یا به قوتم و قوتم؛ چراکه قدرت همان قوت و قوت همان قدرت است و چنین سخنی معنایی ندارد.^{۱۳۲}

در بررسی این فقره باید گفت:

اول آنکه چنین نیست که قدرت و قوت یکی باشند، بلکه مفهوم این دو کلمه با یکدیگر متفاوت بوده و چنین سخنی از مفید بعید است. در اسماء جلاله الهی نیز اسم فاعل این دو مصدر، یعنی قادر و قوی با یکدیگر آشکارا تفاوت دارند.

دوم آنکه بر فرض یکی بودن قدرت و قوت، چنین ادعایی از مفید عجیب‌تر از مورد پیشین خواهد بود؛ چراکه هر فردی که اندک آشنایی با فنون بلاغت داشته باشد، از عطف کلام بر مترادف خود. که از احکام خاص واو عطف بوده^{۱۳۳} و در قرآن، روایات، ادعیه و خصوصاً اشعار شواهد و نمونه‌های بی‌شمار دارد.^{۱۳۴} آگاه خواهد بود. کلمه به جهت تأکید می‌تواند بر خود عطف شود و فائده تأکیدی در اطناب معتبر است. مثال مشهوری که اهل بلاغت در این زمینه می‌زنند شعر عدی بن زید عبادی است که گفته «وألفی قولها کذبا ومینا» حال آنکه کذب و مین هر دو یک معنا را می‌رسانند.

این امر چنان که شیخ طوسی در ذکر اموری که شناخت آنها پیش از شروع تفسیر قرآن ضروری است تصریح کرده، از عادات عرب به جهت اتساع در لغت بوده است.^{۱۳۵} شبیه به محال است که شیخ مفید با آن مقام علمی از چنین موضوع واضحی بی‌اطلاع باشد.

سوم آنکه اشکال ما صرفاً به جنبه ادبی و نظر نادرست منسوب به شیخ مفید محدود نمی‌شود. عبارتی که صدوق آورده، نه نظر شخصی او که عیناً روایتی است که در آن امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه همین عبارت را فرموده‌اند.^{۱۳۶} طعن شیخ مفید به چنان تفسیری مستلزم بی‌اطلاعی از این روایت است که به دو دلیل چنین فرضی قابل پذیرش نیست:

دلیل اول این است که شیخ مفید از کتب و روایات صدوق مطلع بوده و شاگرد او شیخ طوسی، تصریح کرده که «تمام کتب و روایات» صدوق را از طریق شیخ مفید و چند نفر دیگر فرا گرفته است.^{۱۳۷} از قضا نام

۱۳۲. مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۳۳. لازم به تذکر است که در ادامه نیز مفید پس از ذکر معنای نعمت برای کلمه ید در آیه شریفه، حرف باء در «بیدی» را بدل از لام دانسته و لام را نیز لام غایت فرض کرده و بنا بر این بیدی را نعمتی معنا کرده است. فارغ از معنای مورد نظر و تفسیر به نعمت که می‌تواند صحیح باشد، آشنایان با زبان عربی می‌دانند که چنان تفسیری از لحاظ نحوی چه میزان تکلف است. ۱۳۳. ابن هشام انصاری، عبدالله بن یوسف، مغنی اللیبیب، ج ۲، ص ۳۵۷.

۱۳۴. جهت ملاحظه برخی از مثال‌های این مطلب رک به: ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۲۶.

۱۳۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵. بنا بر این شناخت چنین مطلبی از لوازم تفسیر قرآن بوده که نویسنده مطلب منسوب به مفید در تصحیح الاعتقاد از آن اطلاع نداشته است! این در حالی است که حتی به شهادت ابن ابی طی، مفید یگانه زمان خود در جمیع علوم از جمله تفسیر و نحو بوده است. (رک به: ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، ج ۲۸، ص ۳۳۳)

۱۳۶. صدوق، محمد بن علی، التوحید، ص ۱۵۴؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۰.

۱۳۷. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۳۸.

کتاب التوحید نیز که از جمله مصادر این روایت است در ذکر نام برخی از کتب صدوق توسط شیخ طوسی آمده است.

دلیل دوم این است که یکی از راویان این روایت چنان که از سندش پیداست، شیخ کلینی بوده است. نجاشی و شیخ طوسی آورده اند که تمام کتب و روایات کلینی را نیز از طریق مفید (و او از طریق استادش ابن قولویه) فراگرفته اند.^{۱۳۸}

بنابراین بی تردید شیخ مفید از این روایت صریح در تفسیر این آیه شریفه اطلاع داشته است و چنین نظری هرگز نمی تواند از ایشان باشد.

۲. نگاهی به ساختار تصحیح الاعتقاد

آثار نویسندگان متخصص عمدتاً از یکدستی و انسجام خاصی در محتوا یا ساختار پیروی می کند. کتب شیخ مفید نیز از این قاعده مستثنا نیست. با مراجعه به آثار مفید، یکدستی خاصی در ساختار آنها مشاهده می شود که می تواند کمک شایانی به بررسی ما بکند. برای نمونه به مطالعه اسلوب نگارش مفید در مقدمات کتبش می پردازیم که هیچ گاه تغییری نکرده و در تمام آثار این عالم بزرگوار مشهود است

ابتدا نمونه های متعددی از عمده آثار شیخ مفید را ذکر می کنیم و سپس به بررسی تصحیح الاعتقاد خواهیم پرداخت. پیش از آن، ذکر دو نکته لازم به تذکر است: اول آنکه مقدمات شیخ مفید بر آثار خویش گاه حجمی قابل توجه داشته که در اینجا جهت رعایت اختصار تنها خلاصه ای از هر مقدمه ارائه خواهد شد.

دوم آنکه امروزه انتساب برخی از این آثار به مفید، مانند الاختصاص والنکت الاعتقادیه زیر سؤال رفته و ثابت نیست. با این وجود مقدمات این دو اثر نیز چون ضمن آثار شیخ مفید منتشر می شود ذکر شده تا مطلب ناگفته ای باقی نمانده باشد.

۲-۱. المقتنه

مفید در مقدمه این کتاب توضیح می دهد که اثر را به درخواست سید امیر جلیل (که نامش را ذکر نکرده است) نوشته و اثر مذکور جمع مختصری در احکام و واجبات و شرائع اسلام است تا راهنمای اهل عبادت، بصیرت و رشد و دین باشد و توضیح می دهد که آن را با اعتقادات ضروری دین آغاز کرده است.^{۱۳۹}

۲-۲. جوابات اهل الموصل

مطابق مقدمه کتاب، اثر در پاسخ سؤال فردی از اهالی موصل است که درباره ماه رمضان و کامل یا ناقص بودن آن و اعتقاد اصحاب عدد از عالمان امامیه و برخی آیات و روایات پرسش هایی داشته است. شخصی پرسش های این فرد موصلی را برای مفید ارسال کرده و شیخ مفید نیز این کتاب را در پاسخ آن نوشته است.^{۱۴۰}

۲-۳. اوائل المقالات

در مقدمه این کتاب شریف مفید از خداوند طول عمر سید شریف نقیب را. که ظاهراً کتاب را به دعوت او نوشته است. یاد می کند و توضیح می دهد که هدفش از نگارش کتاب بیان تفاوت های شیعه و

۱۳۸. نجاشی، رجال، ص ۳۷۷؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۱۱.

۱۳۹. مفید، محمد بن محمد، المقتنه، ص ۲۷ - ۲۸.

۱۴۰. مفید، محمد بن محمد، جوابات اهل الموصل، ص ۱۳ - ۱۴.

صاغان (معرب چاغان) نام قریه‌ای نزدیک شهر مرو بوده است. مردی از اصحاب رأی در آنجا می‌زیست که علیه شیعیان فعالیت می‌کرد و آنان را مرتد می‌دانست و در اثبات گمراهی آنان و به هدف بدگویی از ایشان ده مسئله علمی بیان کرده بود. فردی گزارش این مسئله را به مفید داده و شیخ مفید در مقدمه قابل توجه کتاب هدف از نگارش اثر را پاسخ به مسائل این شخص و بیان گمراهی عقائد او بیان کرده است.^{۱۴۸}

۱۰-۲. رساله فی المهر

مفید هدف نگارش این کتاب را تعجب یکی از مؤمنان از پاسخ شیخی فاضل درباره حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در خصوص مهریه بیان کرده است.^{۱۴۹}

۱۱-۲. ایمان ابی طالب

شیخ مفید در مقدمه این کتاب پس از آرزوی طول عمر و عزت و تایید برای استادی بزرگوار. که نام او را نمی‌برد. هدف نگارش کتاب را بیان اعمال و گفتار حضرت ابوطالب که نشان از ایمان ایشان دارد و درج گفتگویی می‌داند که درباره دلایل ایمان آن حضرت در محضر آن استاد انجام شده بود.^{۱۵۰}

۱۲-۲. الإعلام

هدف مفید از نگارش این کتاب، انجام تقاضای سیدی بزرگوار در جمع احکام فقهی بوده که امامیه بر آن اجماع دارند و مخالفان با آنان در آن احکام مخالفت می‌ورزند. مفید همچنین اضافه می‌کند که می‌خواهد این کتاب به کتاب اوائل المقالات اضافه گردد.^{۱۵۱}

۱۳-۲. الإفصاح

در مقدمه قابل توجه این کتاب مفید بیان می‌کند که به توفیق الهی کتاب را به هدف بیانی اجمالی و مختصر از امامت نگاشته که موجب بی‌نیازی از تفصیل و طول کلام شود و اصولی را در آن مطرح می‌کند که به خواننده را به مباحث فرعی نیز برساند.^{۱۵۲}

۱۴-۲. المزار

هدف مفید از نگارش این کتاب چنان که در مقدمه بیان کرده،

معتزله خصوصاً در مسئله عدل و تفاوت‌های شیعیان امامی با معتزلی‌هاست.^{۱۴۱}

۴-۲. الارشاد

مفید این کتاب را چنان‌که در مقدمه آن تصریح کرده، به درخواست شخصی. که نامش را نبرده. و جهت اثبات مسائلی تاریخی چون نام‌های ائمه، تاریخ عمرایشان و ذکر مشاهدشان و نام‌های فرزندانشان و اخبار احوال آن بزرگواران نوشته تا بینات و شبهات از هم تشخیص داده شوند و خواننده کتاب منصفانه به اعتقادی حق برسد.^{۱۴۲}

۵-۲. رساله حول خبر ماریه

مفید در مقدمه این کتاب پس از آرزوی طول عمر و دوام تأیید و نعمت و توفیق برای سید شریف و فاضل جلیل بیان می‌کند که هدف از نگارش کتاب پاسخ به سؤال یکی از معتزله درباره خبر وقصه ماریه قبطیه و تهمت یکی از همسران پیامبر به ایشان بوده است.^{۱۴۳}

۶-۲. أحكام النساء

مفید در مقدمه این کتاب، علت تألیف را برآوردن تمایل و خواسته بانویی بزرگوار و سیده‌ای جلیله^{۱۴۴} در تألیف کتابی مختصر در خصوص احکام زنان می‌داند که حفظ آن برای آنان آسان باشد.^{۱۴۵}

۷-۲. العویص

در مقدمه این کتاب فقهی، مفید آورده که به درخواست شخصی، محتوای مذاکره خود را با فردی که از نیشابور آمده بود را نوشته و مطالبی را در همان باب و نوع نیز به کتاب اضافه می‌کند.^{۱۴۶}

۸-۲. المسائل السرویه

در مقدمه کتاب مفید چنین آورده که مسائلی از جانب شریف فاضل (از شهری ساری مازندران) برای او ارسال شده و او پاسخ آن را در کتابی جداگانه می‌دهد که همین کتاب المسائل السرویه است.^{۱۴۷}

۹-۲. المسائل الصاغانیه

۱۴۱. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ص ۳۳ - ۳۴.

۱۴۲. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۱، ص ۴.

۱۴۳. مفید، محمد بن محمد، رساله حول خبر ماریه، ص ۱۶.

۱۴۴. آقابزرگ طهرانی از استادش محدث نوری چنین نقل کرده که این بانوی بزرگوار، فاطمه بنت الحسین مادر سیدرضی و سیدمرتضی بوده است. (رک به: الذریعة، ج ۱، ص ۳۰۲)

۱۴۵. مفید، محمد بن محمد، احکام النساء، ص ۱۳ - ۱۴.

۱۴۶. مفید، محمد بن محمد، العویص، ص ۲۱.

۱۴۷. مفید، محمد بن محمد، المسائل السرویه، ص ۲۹.

۱۴۸. مفید، محمد بن محمد، المسائل الصاغانیه، ص ۲۹ - ۳۰.

۱۴۹. مفید، محمد بن محمد، رساله فی المهر، ص ۱۷ - ۱۸.

۱۵۰. مفید، محمد بن محمد، ایمان ابی طالب، ص ۱۷ - ۱۸.

۱۵۱. مفید، محمد بن محمد، الإعلام، ص ۱۶. لازم به ذکر است که نام کامل این کتاب نیز «الإعلام بما اتفقت علیه الامامیه من الاحکام» است.

۱۵۲. مفید، محمد بن محمد، الإفصاح، ص ۲۵. نام کامل این کتاب نیز «الإفصاح فی امامة امیرالمؤمنین (علیه السلام)» است.

ترتیب مناسب زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین (علیهما السلام) و آداب مفصل زیارت آن دو بزرگوار بوده است.^{۱۵۳}

۱۵-۲. المسائل الجارودیه

کتاب المسائل الجارودیه پاسخ‌های شیخ مفید به عنوان نماینده شیعه امامیه به شبهات مختلف جارودیه^{۱۵۲} درباره امامت بوده است. شیخ پس از مقدمه‌ای در بیان نقاط اشتراک و افتراق امامیه و جارودیه درباره امامت،^{۱۵۵} به ذکر و پاسخ شبهات ایشان می‌پردازد.

۱۶-۲. النکت الاعتقادیه

مفید در مقدمه مختصر این کتاب، بیان می‌کند که محتوای کتاب عقیده‌ای است که دلیل به سوی آن رهبری نموده و به آن اعتماد دارد و پس از توضیح و تبیین، به برای تقریب به خداوند درخواست ثوابش آن را هدیه‌ای برای برادران مؤمن قرار می‌دهد تا موجب فایده باشد.^{۱۵۶}

۱۷-۲. مسار الشیعه

مفید در مقدمه این کتاب، هدف را بیان مختصری از تاریخ ایام شیعیان و اعمال آن توارخ می‌داند تا مبنایی برای عقاید شیعیان شود. او همچنین معرفت این امر را از زینت‌های اهل ایمان دانسته و عدم آگاهی از آن را برای اهل فضل زشت می‌شمارد.^{۱۵۷}

۱۸-۲. تحریم ذبائح اهل الکتاب

شیخ مفید در مقدمه این کتاب پس از بیان دقیق اختلاف مذاهب در این امر، به بحث فقهی می‌پردازد. شیخ به درستی در آغاز کتاب همان امری را انجام داده که امروزه در ادبیات پژوهش به «بیان مسئله» شهرت دارد.^{۱۵۸}

۱۹-۲. تفضیل امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در مقدمه این کتاب نیز دقیقاً مانند مورد پیشین عمل شده است. شیخ به دقت به بیان مسئله و واکاوی اقوال شیعه و غیر از ایشان پرداخته و سپس وارد فصل اصلی کتاب می‌شود و به بحث می‌پردازد.^{۱۵۹}

۲۰-۲. المسائل العکبریه

۱۵۳. مفید، محمد بن محمد، المزار، ص ۳.
۱۵۴. پیروان ابوالجارود زیاد بن منذر عدلی و از مهم‌ترین فرقه‌های زیدیه.
۱۵۵. مفید، محمد بن محمد، المسائل الجارودیه، ص ۲۷ - ۲۸.
۱۵۶. مفید، محمد بن محمد، النکت الاعتقادیه، ص ۱۵.
۱۵۷. مفید، محمد بن محمد، مسار الشیعه، ص ۱۷.
۱۵۸. مفید، محمد بن محمد، تحریم ذبائح اهل الکتاب، ص ۱۹ - ۲۰.
۱۵۹. مفید، محمد بن محمد، تفضیل امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۸ - ۱۹.

شیخ در مقدمه این کتاب طول عمر و بقای حاجب^{۱۶۰} و دوام توفیق او را از خدا خواستار شده و بیان می‌کند که او مسائلی را ارسال کرده و تقاضای پاسخ آن را برای برطرف شدن شبهات داشته است. سپس مختصراً به بحث در رابطه با آن می‌پردازد.^{۱۶۱}

۲۱-۲. رساله فی معنی المولی

این کتاب چنان‌که در مقدمه آن آمده پاسخ شیخ مفید به مردی به‌شمی^{۱۶۲} بوده که در مجلسی شبهاتی در خصوص لفظ مولا در حدیث غدیر وارد کرده بود. محتوای این کتاب پاسخ‌های مفصل شیخ به آن فرد است.

۲۲-۲. التذکره بأصول الفقه

در مقدمه این کتاب آمده که اثر به درخواست کسی نوشته شده که مختصری از اصول فقه را درخواست کرده بود و شیخ در اجابت درخواست او این کتاب را نوشته است.^{۱۶۳}

۲۳-۲. المسائل العشر فی الغیبه

در مقدمه این کتاب شیخ مفید ذکر می‌کند که کتاب را به دلیل درخواست کسی نوشته که حق او را واجب می‌داند و قدر و منزلتش را بزرگ می‌دارد و به جای آوردن حقوقش معتقد است.^{۱۶۴} نکاتی در خصوص امامت امام زمان (علیه السلام) به خاطر آن شخص رسیده بود و شیخ تصریح می‌کند که کتاب را در اثبات آن نکات نوشته است.^{۱۶۵} سپس وارد بحث اصلی خود می‌شود.

۲۴-۲. الجمل

شیخ در ابتدای این کتاب فردی را مخاطب قرار می‌دهد که از ایشان درخواست کرده بود اختلاف بین اهل قبله را در خصوص فتنه بصره و جنگ جمل و مذهب هر فرقه‌ای را شرح و بیان نماید؛ چراکه هر کتاب دیگری که نوشته شده اخبار را با یکدیگر خلط کرده و موجب التباس امر بر مردم شده است. سپس شیخ بیان می‌کند که این کتاب را در جمع اخبار این واقعه و اثبات اعتقاد

۱۶۰. شیخ نام این حاجب را ذکر نکرده است، اما در یکی از نسخه‌ها نام این شخص الحاجب ابی اللیث بن سراج ذکر شده است. (رک به: رساله دوم مجموعه شماره ۳۶۹۲ کتابخانه آیت‌الله مرعشی) آقابزرگ طهرانی نیز پرسش‌ها را از جانب همین فرد دانسته و مرحوم افندی نیز به نامه‌نگاری بین او و شیخ مفید درباره برخی مسائل اشاره کرده است. (رک به: طهرانی، محمد محسن، الذریعة، ج ۲، ص ۸۱ و ۹۰؛ ج ۵، ص ۱۹۸-۲۲۸؛ ج ۶، ص ۵؛ ج ۲۰، ص ۳۵۸؛ افندی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۲۰)

۱۶۱. مفید، محمد بن محمد، المسائل العکبریه، ص ۲۵.
 ۱۶۲. بهشمیه گروهی از معتزله و از یاران ابوهاشم جیانی بوده‌اند.
 ۱۶۳. مفید، محمد بن محمد، التذکره بأصول الفقه، ص ۲۷.
 ۱۶۴. مطابق معمول نام این شخص بزرگوار ذکر نشده است. اما در ابتدای نسخه نفیس قرن هفتم کتابخانه آیت‌الله مرعشی آمده که آن فرد «رئیس ابی العلاء بن تاج الملک» بوده است.
 ۱۶۵. مفید، محمد بن محمد، المسائل العشر فی الغیبه، ص ۴۲.

صحیح نوشته است.^{۱۶۶}

۲-۲۵. الاختصاص

در مقدمه این کتاب مفید بیان می‌کند که آن را سرشار از فنون احادیث و اخبار ناب و آثار نیک نموده و حکایاتی در معانی بسیار در ستایش مردان و فضیلت ایشان و مراتب و دانایی علما فراهم آورده است.^{۱۶۷}

۲-۲۶. مسألان فی النص علی علی (علیه السلام)

شیخ مفید در ابتدای این رساله مختصر و در مقام بیان مسئله، پرسش سؤال‌کننده‌ای را درباره خلافت امیرمؤمنان مطرح کرده و وجوه مختلف سؤال او را تقریر می‌کند. سپس به پاسخ به او می‌پردازد.^{۱۶۸}

۲-۲۷. النکت فی مقدمات الاصول

شیخ در ابتدای کتاب که املائی ایشان نیز بوده است توضیح می‌دهد که ارشاد مبتدیان اکثراً چنین است که اولین واجبات خدا بر مکلفان را بیان کنند. سپس خود ترتیب سؤال و جواب را می‌دهد و یکی پس از دیگری سؤالات را طرح کرده و به آن با اختصار بسیار پاسخ می‌دهد. پس از گذشت حجم قابل توجهی از کتاب، وارد فصول و مباحث اعتقادی دیگری می‌شود و به آنها می‌پردازد.^{۱۶۹}

۲-۲۸. الکافئة

آنچه سال‌ها پیش از این کتاب منتشر شد، صرفاً روایاتی است که در گذشته محدثانی چون علامه مجلسی و محدث نوری از اصل کتاب نقل کرده بودند. این کتاب هنوز مخطوط است و به چاپ نرسیده، اما راقم سطور نسخه خطی کامل آن را ملاحظه کرده است. مفید مقدمه‌ای طولانی و جالب توجه بر کتاب نوشته که حاوی مباحثی اعتقادی و مطالبی درباره برخی وابستگان پیامبر است. سپس وارد اصل بحث‌های اعتقادی خود به صورت سؤال و جواب و ذکر نکات می‌شود.

تمام این موارد کتب و رسائلی بود که از شیخ مفید به چاپ رسیده (به استثنای الکافئة که توضیح آن گذشت) و دارای مقدمه‌ای هستند که اسلوب همیشگی شیخ را نشان می‌دهد. به غیر از اینها در کتبی که از شیخ به دست ما رسیده موارد معدود دیگری نیز وجود دارد که به دلایلی فاقد چنین ویژگی است که به آنها اشاره می‌شود:

کتاب «المسائل الطوسية» که در واقع کتابی از مفید نیست، بلکه پاسخ‌های مختصر شیخ مفید به سیزده پرسش از شیخ طوسی است که عین سؤال و جواب‌ها به عنوان کتاب امروزه به چاپ رسیده است.

کتاب «المسح علی الرجلین» که نگارشی از شیخ مفید به عنوان یک کتاب نیست، بلکه گزارشی از گفتگوی او در مجلسش با یکی از فقهای بزرگ حنفی به نام ابو جعفر نسفی عراقی است.

کتاب «رسالة فی المتعة» که اساساً اصل آن به ما نرسیده و آنچه امروز در دست ماست نیز روایاتی است که از رساله‌ای با همین عنوان توسط علامه مجلسی نقل شده و کنگره جهانی شیخ مفید همان مجموعه روایات را به شکل رساله‌ای مستقل منتشر کرده است.

کتاب «خلاصة الايجاز فی المتعة» که از مفید نیست، بلکه خلاصه‌ای از کتاب متعه مفید است و توسط

۱۶۶. همان، الجمل، ص ۱۸.

۱۶۷. همان، الاختصاص، ص ۱.

۱۶۸. همان، مسألان فی النص علی علی، ص ۱۳.

۱۶۹. همان، النکت فی مقدمات الاصول، ص ۲۰.

سید حسین مجتهد (نوه محقق کرکی) و به قولی به وسیله شهید اول تلخیص شده است.

کتاب «الإشراف» که متأسفانه نسخه کامل آن در دسترس نیست و آنچه به چاپ رسیده قسم عبادات تا نهایت کتاب حج است.

کتاب «الأمالی» که نگارش مفید نیست، بلکه تقریر مجالس حدیث اوست که از مجلس اول رمضان ۴۰۴ آغاز شده و تا مجلس ۲۷ رمضان ۴۱۰ ادامه یافته بود.

کتاب «الفصول المختارة» که گرچه به نام مفید به چاپ رسیده، اما در اصل تألیف سیدمرتضی است و چنان که سید در مقدمه آن تصریح کرده، کتاب منتخب فصولی از مجالس مفید^{۱۷۰} و نکته‌هایی از کتاب «العیون والمحاسن» اوست.^{۱۷۱}

کتاب «الحکایات» که تألیف مفید نیست، بلکه شنیده‌هایی از مفید توسط سیدمرتضی است.

کتاب «حدیث نحن معاشر الأنبیاء» که به مثابه یادداشتی چندصفحه‌ای است که تنظیم شده و طبعاً نیاز به مقدمه ندارد.

کتاب «رسائل فی الغیبة» که رسائلی بسیار مختصر و در حد چند صفحه و تمام آنها صرفاً حاوی چند سؤال و جواب است.

کتاب «اقسام المولی» که رساله‌ای مختصر است که از ابتدای آن شیخ وارد موضوع اصلی رساله می‌شود که معنی مولی است.

کتاب «مسئلة فی الازادة» که کاتب آن احمد بن حسین بن عودی اسدی حلی در قرن هشتم است و کلماتی از مفید و کراجکی را جمع کرده و روایاتی از مفید را نیز به آن اضافه کرده است.

کتاب «تفسیر القرآن المجید» که اثری مستقل از مفید نیست، بلکه استخراج تفاسیری از آیات قرآن از آثار شیخ مفید است.

کتاب «شرح المنام» که رساله‌ای چندصفحه‌ای و صرفاً حاوی روایتی از شیخ ابوالحسن علی بن محمد بن بنان درباره خوابی از شیخ مفید است.

از این بررسی طولانی مشخص می‌شود که شیخ مفید در تمام کتب خویش از اسلوبی معین و ساختاری مشخص پیروی می‌کند. او به ذکر و نگارش یک مقدمه. اگرچه کوتاه. پایبند است و عادت به توضیحی درباره کتاب و بیان مسئله و موضوع بحث خود یا انگیزه‌اش از نگارش اثر دارد و واضح است که بسیاری از آثار نیز به درخواست اشراف و بزرگان نگاشته شده است.

اکنون و پس از این بررسی کافی است نگاهی به تصحیح الاعتقاد داشته باشیم. این کتاب در تمام نسخه‌های آن، بدون هیچ مقدمه و توضیحی آغاز می‌شود. کمترین انتظار این است که نویسنده چون به مصاف یکی دیگر از بزرگ‌ترین عالمان امامیه رفته که در همان زمان نیز آراء او محل اعتنا و احترام بوده است، توضیحی درباره اثر خود بدهد و اقبالاً در چند خط، مانند کتب و رسائل دیگرش که برخی از آنها جزوه‌هایی چندصفحه‌ای بیش نبوده‌اند معلوماتی به خواننده ارائه کند.

۱۷۰. ظاهراً منظور کتاب «المجالس المحفوظة فی فنون الکلام» است که نجاشی معرفی نموده (نجاشی، رجال، ص ۴۰۰) و نه کتاب امالی مفید.

۱۷۱. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، ص ۱۶.

اکثریت جامعه علمی به طور مطلق در دست یکی از دو گروه نبوده است.

می‌توان چنین فرض کرد که شخصی اصولی، کتابی نوشته و برای تحقیر اخباریان و تضعیف آنان مستقیماً بزرگ‌ترین نماینده مکتبشان را هدف قرار داده است. بی‌تردید فردی گمنام یا نامدار، حتی اگر بهره‌ای از علم نیز داشت را یارای چنین هجومی علیه شیخ صدوق به عنوان رکنی از ارکان تشیع نبود. از همین رو انتخاب شیخ مفید به عنوان بزرگ‌ترین نماینده مکتب اصولی، گزینشی هوشمندانه بوده است. امری که می‌توانست به بهترین شکل بازگویی تفاوت دو مکتب باشد و درگیر و دار تضعیف اخباریان و تقویت اصولیان، به فرضیه یاد شده اثر عملی مضاعفی ببخشد.

کتابنامه

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم.

ابن اثیر، مجدالدین؛ النهایة فی غریب الحدیث والاثار؛ تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی؛ چاپ چهارم، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ ش.

ابن ادریس، محمد بن منصور؛ السرائر؛ چاپ دوم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.

ابن حجر، احمد بن علی؛ لسان المیزان؛ چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ معالم العلماء؛ بی‌نا، قم، بی‌تا.

_____؛ مناقب آل ابی طالب؛ تحقیق لجنة من اساتذة النجف الاشرف؛ المكتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۷۶ ق.

ابن صباغ، علی بن محمد؛ الفصول المهمة فی أصول الائمة؛ تحقیق سامی الغریبی؛ چاپ اول، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۲ ق.

ابن طاووس، رضی الدین علی؛ اقبال الاعمال؛ تحقیق جواد قیومی اصفهانی؛ چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.

_____؛ فتح الاجواب؛ تحقیق حامد الخفاف؛ چاپ اول، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

ابن کثیر، اسماعیل؛ البدایة والنهایة؛ تحقیق علی شیری؛ دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.

ابن الندیم، محمد بن ابی یعقوب؛ فهرست ابن الندیم؛ تحقیق رضا تجدد؛ بی‌نا، بی‌تا.

ابن هشام، عبدالله بن یوسف؛ مغنی اللیبیب؛ تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید؛ مکتب آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

اربلی، علی بن ابی الفتح؛ کشف الغمة فی معرفة الائمة؛ چاپ دوم، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

تمام این موارد در تصحیح الاعتقاد مفقود است، کتاب بدون کوچک‌ترین مقدمه‌ای با عبارت «قال ابو جعفر» و بحث «معنی کشف الساق» آغاز شده که نه تنها اقتضای چنین اثر حساسیت‌برانگیزی نیست، بلکه آشکارا خلاف اسلوب همیشگی مفید در تألیفات و آثار اوست.

نتیجه‌گیری

برآیند این پژوهش چنین است که به دلایل زیر، تصحیح الاعتقاد نمی‌تواند از فردی چون شیخ مفید باشد:

۱. قرائن خارجی: ذکر نشدن نام این کتاب و اشاره به آن در آثار خود مفید، نیامدن نام کتاب و نام‌های مشابه آن در رجال نجاشی و فهرست طوسی، بی‌خبری از نام کتاب و نقل از آن و اجازه‌ای منتهی به آن و حتی عدم وجود اشاره‌ای به کتاب در قرون بعد در کتب رجالی و غیر آن و موجود نبودن نسخه خطی کتاب پیش از قرن یازدهم یا نسخه خطی که با مقابله‌ای معتبر به قرون پیشین بازگردد و از نسخ دیگر کتابت شده باشد.

۲. قرائن داخلی: محتوای کتاب که در موارد مهمی در مخالفت یا تضاد با نظرات قطعی شیخ مفید است. در برخی موارد نیز مانند تعابیر مربوط به شیخ صدوق، این محتوا برخلاف حقیقت و واقعیت نیز بوده است که قبول صدور آن از مفید را دشوار و بلکه شبیه به محال می‌سازد. همچنین ساختار کتاب که یک نمونه از آن بررسی و روشن شد، برخلاف ساختار و روال همیشگی آثار مفید است و فقدان این روش در این اثر، با توجه به حساسیت آن و اهمیت کتاب خدشه‌ای مهم محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد با پیوستن این دلایل و شواهد به یکدیگر بهتر است برای همیشه با انتساب تصحیح الاعتقاد به مفید خدا حافظی کنیم. اینکه انگیزه و علت این جعل چه بوده و به طور دقیق چگونه انجام پذیرفته است، خارج از حوصله نوشتار بوده و تحقیقی ژرف‌تر و مجالی بیشتر را می‌طلبد. در اینجا تنها به طور گذرا می‌توان به فرضیه‌ای اشاره کرد که شاید مقدمه‌ای برای ادامه این مبحث باشد.

اخباریان که در قرون هشتم و نهم نسبت به گذشته قدرت بیشتری یافته بودند، در اواسط قرن دهم و با ظهور شخصیتی چون محقق کرکی و اقدامات عملی او در ایران و به پشتوانه دولت صفوی، اندک‌اندک ستاره اقبالشان افول کرد. طلوع تصحیح الاعتقاد در میانه اختلافات عالمان اخباری و اصولی در تشیع است و هنوز

- افندی، میرزا عبدالله؛ تعلیقة أمل الآمل؛ تحقیق سیداحمد حسینی؛ چاپ اول، مکتب آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ق.
- _____؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ تحقیق سیداحمد حسینی؛ قم، ۱۴۰۱ق.
- بحرانی، یوسف؛ الحدائق الناضرة؛ مؤسسة النشر الاسلامی، قم، بی تا.
- _____؛ الدر النجفیة من الملتقطات البوسفیة؛ تحقیق شركة دار المصطفی؛ چاپ اول، نشر شركة دار المصطفی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
- _____؛ لؤلؤة البحرين؛ تحقیق سیدمحمدصادق بحر العلوم؛ چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- بحر العلوم، سیدمهدی؛ الفوائد الرجالیة؛ تحقیق محمدصادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم؛ چاپ اول، مکتبة الصادق، تهران، ۱۳۶۳ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ تحقیق احمد عبدالغفور عطار؛ چاپ چهارم، دارالعلم الملايين، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات؛ مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۵ق.
- _____؛ الفصول المهمة فی أصول الائمة؛ تحقیق محمد القائینی؛ چاپ اول، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا، قم، ۱۴۱۸ق.
- _____؛ أمل الآمل؛ تحقیق سیداحمد حسینی؛ مکتبة الاندلس، بغداد، ۱۳۸۵ق.
- خزاز قمی، علی بن محمد؛ کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر؛ تحقیق سیدعبداللطیف حسینی کوهکمره ای؛ انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
- خوئی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
- دانش یزوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۲ش.
- درایتی، مصطفی؛ فهرستواره دست نوشته های ایران (دنا)؛ تهران؛ کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- ذهبی، محمد بن احمد؛ العبر فی خبر من غیر، بی تا، بی نا، بی جا.
- _____؛ تاریخ الاسلام؛ تحقیق عمر عبدالسلام تدمری؛ چاپ اول، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغة؛ تحقیق شیخ محمد عبده؛ چاپ اول، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۲ق.
- صدوق، محمد بن علی؛ الأمالی؛ مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- _____؛ التوحید؛ تحقیق سیدهاشم حسینی تهرانی؛ مؤسسة النشر الإسلامی، بی تا.
- _____؛ عیون أخبار الرضا؛ تحقیق حسین اعلمی؛ مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- _____؛ من لا یحضره الفقیه؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ چاپ دوم، مؤسسة النشر الاسلامی، قم.
- _____؛ الهدایة؛ مؤسسة الامام الهادی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۸ق.
- صفار، محمد بن حسن؛ بصائر الدرجات؛ تحقیق میرزا حسن کوجه باغی؛ منشورات الاعلمی، تهران، ۱۴۰۴ق.
- طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج؛ تحقیق سیدمحمدباقر خراسان؛ دارالنعمان للطباعة والنشر، نجف اشرف، ۱۳۸۶ق.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ إلام الوری بأعلام الهدی؛ چاپ اول، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی؛ چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- _____؛ تهذیب الاحکام؛ تحقیق سیدحسن موسوی خراسان؛ چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۴ش.
- _____؛ الفهرست؛ تحقیق شیخ جواد قیومی؛ چاپ اول، مرسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- _____؛ الغیبة؛ تحقیق عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح؛ چاپ اول، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
- طهرانی، محمد محسن؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة؛ چاپ سوم، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی؛ چاپ دوم، مؤسسة دارالهجرة، قم، ۱۴۰۹ق.
- فیض کاشانی، محسن؛ الوافی؛ تحقیق ضیاءالدین حسینی العلامة الاصفهانی؛ چاپ اول، مکتبة الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
- قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی؛ تحقیق سیدطیب موسوی جزائری؛ چاپ سوم، مؤسسة دارالکتاب للطباعة والنشر، قم، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ چاپ پنجم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۳ش.
- گرگی، ابوالقاسم؛ تاریخ فقه و فقهاء؛ چاپ هشتم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵ش.
- مازندرانی، ملا صالح؛ شرح أصول الکافی؛ تصحیح سیدعلی عاشور؛ چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- مامقانی، عبدالله؛ مقياس الهدایة فی علم الدرایة؛ تحقیق شیخ محمدرضا مامقانی؛ چاپ اول، دلیل ما، قم، ۱۳۸۵ش.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چاپ دوم، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- _____؛ الوجیزة فی الرجال؛ نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مفید، احکام النساء؛ تحقیق شیخ مهدی نجف؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ الإختصاص؛ تحقیق علی اکبر غفاری و سیدمحمد زرندي؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ الإختصاص؛ تحقیق مؤسسة آل البيت لتحقیق التراث؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ الإعلام بما اتفقت علیه الامامية من الاحکام؛ تحقیق شیخ محمد الحسون؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ الإفصاح فی إمامة أمير المؤمنين (علیه السلام)؛ چاپ دوم، تحقیق مؤسسة البعثة، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ أوائل المقالات؛ تحقیق شیخ ابراهیم انصاری؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ ایمان ابی طالب؛ تحقیق مؤسسة البعثة؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ تحریم ذبائح أهل الكتاب؛ تحقیق شیخ مهدی نجف؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ التذکرة بأصول الفقه؛ تحقیق شیخ مهدی نجف؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ نصیح اعتقادات الامامية؛ تحقیق حسین درگاهی؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ تفضیل أمير المؤمنين (علیه السلام)؛ تحقیق علی موسی کعبی؛ چاپ دوم، دارالمفید للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

- _____؛ الجمل؛ مكتبة الداوري، قم، بي تا.
- _____؛ جوابات أهل الموصل؛ تحقيق شيخ مهدي نجف؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ رسالة حول خير مارية؛ تحقيق شيخ مهدي صباحي؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ رسالة في المهمل؛ تحقيق شيخ مهدي نجف؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ العويص؛ تحقيق شيخ محسن احمدى؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ الفصول المختارة؛ تحقيق سيد نورالدين جعفران اصفهاني؛ يعقوب جعفرى و محسن احمدى، چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ المزار؛ تحقيق سيد محمد باقر ابطحي؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ المسائل الجارودية؛ تحقيق محمد كاظم مدير شانه چي؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ المسائل السروية؛ تحقيق صائب عبدالحميد؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ المسائل الصاغانية؛ تحقيق سيد محمد قاضي؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ المسائل العشر في الغيبة؛ تحقيق فارس الحسون، مركز الابحاث العقائدية، قم، بي تا.
- _____؛ المسائل العكبيرة؛ تحقيق على اكبر الهى خراساني؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ مسار الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة؛ تحقيق شيخ مهدي نجف؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ مسألان في النص على علي؛ تحقيق شيخ مهدي نجف؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ المقتعة؛ چاپ دوم، مرسسة النشر الاسلامي، قم، ۱۴۱۰ق.
- _____؛ النكت الاعتقادية؛ تحقيق رضا مختاري؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- _____؛ النكت في مقدمات الاصول؛ تحقيق سيد محمد رضا حسيني جلالى؛ چاپ دوم، دارالمفيد للطباعة والنشر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- ميرداماد، محمد باقر؛ اثنا عشر رسالة، بي تا، بي جا، بي تا.
- _____؛ الرواشح السماوية، تحقيق غلامحسين قيصره ها و نعمت الله جليلي؛ چاپ اول، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۲ق.
- نجاشي، ابوالعباس احمد بن علي؛ فهرست أسماء مصنفي الشيعة؛ چاپ پنجم، مؤسسه النشر الاسلامي، ۱۴۱۶ق.
- نورى طبرسى، حسين؛ خاتمة المستدرک؛ تحقيق مؤسسة آل البيت؛ چاپ اول، مؤسسة آل البيت، قم، ۱۴۱۵ق.
- وحيد بهبهاني، محمد باقر؛ تعليقه على منهج المقال؛ بي تا، بي جا، بي تا.
- _____؛ مصابيح الظلام في شرح مفاتيح الشرائع؛ تحقيق مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهاني؛ چاپ اول، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهاني، قم، ۱۴۲۴ق.

ب) مقالات

- طباطبايي، سيد عبد العزيز؛ «الشيخ المفيد و عطاؤه الفكرى الخالد»؛ تراثنا، العددان الاول والثاني (۳۰ - ۳۱) السنة الثامنة، محرم جمادى الآخرة ۱۴۱۳ق.
- سبحاني، محمد تقى؛ «گامى ديگر در شناسايى و احياى كتاب سليم بن قيس هلالى»؛ آينه پژوهش، ش ۲۷، فروردين و ارديبهشت ۱۳۷۵.
- موسوى، سيد محسن؛ «بهره هاى يادکرد آثار در تأليفات شيخ صدوق»؛ حديث حوزه، سال سوم، شماره ششم، پيايى ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۲.